

مالیات از خانه‌های لوکس بالای ۵ میلیارد تومان

۱۰۰ اقتصاددان در نامه‌ای به لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی خواستار با انقذاد از کمیسیون تلفیق بودجه در رابطه با وضع پایه‌های مالیاتی جدید خواستار اخذ مالیات از خانه‌های لوکس بالای ۵ میلیارد تومان و خودروهای با قیمت بیش از ۳۰۰ میلیون تومان شدند. این نامه آمده است:

جناب آقای دکتر لاریجانی

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

باسلام

همانگونه که مستحضرید، بودجه سال ۱۳۹۹ با کسری بودجه قابل توجه در مجلس شورای اسلامی در حال بررسی است و همانگونه که اشراف کامل دارید، کسری بودجه به منزله تشدید تورم و فشار بیشتر به اقشار ضعیف جامعه و دریافت مالیات مخفی (عمدتا) از این اقشار است که آثار مخرب آن بر شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی بر همگان روشن و میرهن است. در چنین شرایطی مسلمانی بایست ضمن تلاش برای شناسایی اقتصاد زیرزمینی و مبارزه با فرار مالیاتی، اقدام به تعریف پایه های جدید مالیاتی نمود. پایه هایی که وضع آنها، نه تنها تناقضی با سیاست های اقتصادی و اجتماعی کشور نداشته باشند بلکه در جهت تقویت این سیاست ها از جمله کاهش شکاف ثروتی، حمایت از اشتغال و تولید و ... باشد. بر این اساس طرح وضع مالیات بر ثروت های غیرمولد جهت وضع مالیات بر اتومبیل با ارزش



پس از تشکیل دادگاه‌های مفاسد اقتصادی تعداد زیادی از آقازادگان به دلیل داشتن تخلفات متعدد مالی به زندان افتادند.از زمانی که بحث فسادهای اقتصادی و مالی مطرح شد و دادگاه‌های مبارزه با مفاسد اقتصادی توسط ریاست قوه قضائیه برگزار شدند، اسامی افرادی نام آشنا شنیده شد و تصاویری از پرونده آقازادگانی که به مفاسد اقتصادی آلوده شده بودند در راهروهای دادگاه‌های انقلاب به چشم خورد.

از پسر هاشمی رفسنجانی تا دختر وزیر اسبق صمت و همچنین مدیران سازمان خصوصی‌سازی و شرکت خودروسازی ایران‌خودرو در میان متهمان مفاسد اقتصادی دیده شد.آقازادگانی که با رانت و سوء استفاده از نام خانوادگی و مقام اجتماعیشان دست به تحصیل مال نامشروع زده بودند و پرونده‌های فساد اقتصادی

برایشان باز شده بود.

آقازاده‌ای که از صفر شروع کرده

جدیدترین آقازاده‌ای که نام آن در میان متهمان مفاسد اقتصادی به گوش خورد شبین نعمت‌زاده دختر وزیر اسبق صنعت و معادن و تجارت است.شبین نعمت‌زاده فرزند محمدرضا منتهم ردیف اول پرونده فساد مالی و احتکار دارویی است، او به اتهام مشارکت در اخلان عمده از طریق اخلان در توزیع مایحتاج عمومی دارو به مبلغ یک هزار و ۸۵۰ میلیارد ریال، ۱۴۸ میلیون و ۳۷۹ هزار و ۵۹۹ ریال و با علم به مؤثر بودن ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و همچنین مشارکت در تحصیل مال از طریق نامشروع و سوءاستفاده از جایز و امتیاز تعویض شده مشارکت در اخلان نظام دارویی کشور فعالیت غیر مجاز در شبکه دارویی استان البرز بدون مجوز وزارت بهداشت و نگهداری غیر مجاز دارو بدون تشریفات قانونی در حکم قاچاق توسط شعبه سوم دادگاه ویژه رسیدگی به جرایم و مفاسد اقتصادی محکوم شد.نعمت‌زاده که در اولین جلسه دادگاه گفته بود پدر من وزیر بود، اما من کار خود را از صفر شروع کردم و با اتکا به توان خود توانستم با شرکت‌های مختلف اروپایی در بحث دارو همکاری کنم، بیش از هزار میلیارد مال نامشروع را به دست آورده بود. شبین نعمت‌زاده که در تمام جلسات دادگاه سعی داشت تحریکها را گردن شریک خود محمدرضا لشکری‌پور بیاندازد، اما سرانجام به ۲۰ سال حبس تعزیری و ۷۴ ضربه شلاق و محرومیت دائم از خدمات دولتی محکوم شد. علاوه بر آن شبین نعمت‌زاده شخصا به رد مال معادل ۴۵ میلیارد ریال و متضامناً به رد ۳۶ میلیارد ریال در حق استراژن دارو، ۱۷۷ میلیارد ریال در حق داروسازی

اقتصاد در گذر زمان

تاریخ اقتصاد ایران و جهان آینه ای است تمام نما از رویدادهای اقتصادی که در گذشته رخ داده است و بیانگر ریشه‌های تاریخی بسیاری از واقعیت های امروز ایران و جهان است. موضوع اقتصاد ایران و جهان در گذر زمان" در این نوشتار به وقایع تاریخی هفدهمین روز دی ماه اختصاص دارد که به طور مستقیم و غیر مستقیم اقتصاد ایران و جهان را متأثر کرده است.
*۱۷ دی ۱۳۰۰، مصدق السلطنه (محمد مصدق) استعفای خود را از وزارت مالیه به قوام السلطنه رئیس الوزرا تقدیم کرد.
*۱۷ دی ۱۳۳۵، عملیات ریل گذاری راه آهن تهران به مشهد به طول ۹۲۶ کیلومتر، امروز به پایان رسید.
*۱۷ دی ۱۳۵۷، کارکنان بانک مرکزی ایران با انتشار فهرستی، اسامی ۱۷۸ نفر از رجال پهلوی را که هر یک طی ۲ ماه شهریور و مهر بیش از ۱۰ میلیون تومان ارز خارج کرده بودند، منتشر کردند. جمع مبلغ لیست مذکور به انضمام ۱۷ فقره حواله رمزی بیش از ۱۶ میلیارد تومان می باشد.
*۱۷ دی ۱۳۹۱، شمس الدین حسینی وزیر اقتصاد دومین کارت زرد خود را هم از مجلس نهم دریافت کرد و در یک قدمی

تاریخچه

بیش از سیصد میلیون تومان (یعنی معافیت بیش از ۹۰ درصد صاحبان اتومبیل در کشور) و املاک مسکونی با ارزش بیش از پنج میلیارد تومان (یعنی معافیت اقشار ضعیف، متوسط و متوسط به بالای جامعه) براساس اصول کارشناسی دقیق، طراحی و تقدیم کمیسیون اقتصاد گردید.

متأسفانه کمیسیون تلفیق با نادیده انگاشتن شرایط کشور و نیز زیر پا گذاشتن اصول اولیه وضع هر گونه مالیات، یعنی اصل طبقه بندی (به گونه ای که عناصر هر طبقه می بایست بیشترین تجانس و هم خوانی را با هم داشته باشند) و اصل توانایی پرداخت (تعیین میزان مالیات مودیان هر طبقه براساس توانایی پرداخت آنها) ، به گونه ای طرح اولیه را تغییر دادند که عملا تمام اهداف طرح را از میان برداشتند. نتیجه این تغییرات به عنوان مثال آن است که اتومبیل ها به ارزش بیست میلیون تومان تا یک میلیارد تومان، علیرغم وجود هر گونه تجانس و هم خوانی، در یک طبقه قرار گرفته و معاف گردیده اند.
املاک از یک ملک روستایی تا یک ملک ۱۰ میلیارد تومانی، دارای ویژگی های مشابه تشخیص داده شده و در یک طبقه قرار گرفته اند!
در رابطه با اصل توانایی پرداخت در وضع مالیات نیز مصوبه کمیسیون تلفیق بدین معنی است که مالک یک ملک مسکونی ۱۵ میلیارد تومانی تنها توان پرداخت ماهیانه ۴۰۰ هزار تومان مالیات را دارد و یا صاحب یک اتومبیل ۱،۵ میلیارد تومانی تنها توان پرداخت ماهیانه ۲۰۰ هزار تومان مالیات را دارد. چنانچه نتیجه این تغییرات را در کنار سیستم محاسبه

همه آقازاده‌های اوین نشین

به خرید گوشت و مرغ از شرکت پشتیبانی دام استان تهران کرده بود و به دلیل فروش آن‌ها در بازار آزاد بانک را با چالشی اساسی مواجه کرده بود.

علاوه بر آن سید هادی رضوی به بانک سرمایه مبلغ ۱۲۰ میلیارد تومان بدهکاری داشته و با گران‌نمایی یکی از املاک خود و فروش آن به مبلغ ۱۲۵ میلیارد تومان بانک سرمایه را ۵ میلیارد تومان طلبکار کرد.سید هادی رضوی با پرداخت رشوه در حدود ۱۰۷ میلیارد تومان در سال‌های ۹۱ تا ۹۴ به سفرهای خارجی بسیار رفته بود و خودروهای لوکس و ملک‌های لاکچری را برای خود خریداری کرده بود.پس از چندین جلسه دادگاه و رسیدگی به پرونده سرانجام در نظام اقتصادی کشور از طریق تحصیل مال نامشروع به مبلغ ۱۰۷ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان و به ۲۰ سال حبس رد مال، ۷۴ ضربه شلاق، محرومیت از خدمات دولتی محکوم شد.

جرم برادر چیست؟

اما یکی از معروف‌ترین پرونده‌های اقتصادی که چند سالی است قضای سیاست کشور را درگیر کرده، پرونده فساد اقتصادی حسین فریدون برادر رئیس جمهور است.

حسین فریدون دستیار ویژه سابق رئیس جمهور ایران، مشاور محمد جواد ظریف و از اعضای سابق تیم مذاکره کننده ۱+۵ ایران بود، اولین بار بحث اتهامات فریدون در ماجرای حقوق‌های نجومی و دخالت و اصرار در استخدام علی صدقی به سمت ریاست بانک رفاه کارگران برای اولین بار مطرح شد، علاوه بر آن حسین فریدون به جرم ارتشاء و پولشویی و رد پول کثیف متهم است و نام دو متهم ابر دهسکار بانکی به نام‌های رسول دانیال‌زاده و ملازمیری مطرح شده است.حسین فریدون به اتهام اخذ رشوه در شعبه ۱۰۵۷ دادگاه ویژه کارکنان دولت به ۵ سال حبس و پرداخت ۳۱ میلیارد تومان محکوم شد.

برادر معاون اول رئیس جمهور در دادگاه مفاسد اقتصادی

از برادر رئیس جمهور که بگذریم به برادر معاون اول رئیس جمهور مهدی جهانگیری می‌رسیم.مهدی جهانگیری برادر اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس جمهور است.فصل دادگاه دان و مدیر عامل بانک گردشگری

علاوه بر آن جهانگیری شرکت سرمایه‌گذاری سمگرا را نیز مدیریت می‌کرد که تیرماه سال ۸۸ با سرمایه ۲۰ میلیارد تومان به ثبت رسید و تنها ظرف مدت بسیار کوتاهی توانست ۶ شرکت اقماری بزرگ دیگر را هم تأسیس کند.اما برای اولین بار بحث فسادهای برادر معاون اول رئیس جمهور توسط قالیباف در سومین جلسه مناظرات تلویزیونی سال ۹۶ مطرح شد.مهدی جهانگیری به اتهام اخلان در مسائل مالی کشور، کسب درآمد نامشروع و خروج ارز از کشور چهارده مهر ماه سال ۹۶ در کرمان بازداشت شد، البته سپس با تودیع وثیقه آزاد شد و هم‌اکنون جلسات دادگاه او در حال برگزاری است.

تصاویر



مالیات حقوق و میزان پرداختی مالیات متوسط یکی از آسیب پذیرترین اقشار جامعه یعنی حقوق بگیران، قرار دهیم چهره کریه عدم رعایت عدالت مالیاتی را به خوبی خواهیم دید. لذا امضاء کنندگان این نامه شامل یکصد نفر از اساتید، صاحب نظران و کارشناسان علوم اقتصادی و مالی و مالیاتی از جنابعالی تقاضا داریم تصویب طرح اولیه (به پیوست تقدیم می شود) که براساس اصول کارشناسی طراحی گردیده است را در صحن مجلس محترم مورد حمایت قرار دهید.

رونوشت:

دفتر مقام معظم رهبری جهت استحضار

دفتر ریاست محترم جمهوری جهت استحضار

از اختلاس تا نگهداری نازنکجک، مجرم

دولت دهم

اما شاید نام یکی از متهمان بزرگ دولت نهم و دهم که همه ما با او آشنا هستیم حمیدرضا بقایی باشد. او معاون اجرایی محمود احمدی نژاد در دولت دهم بود و همچنین از سال ۸۸ تا ۹۰ ریاست سازمان میراث فرهنگی و دبیر شورای عالی مناطق آزاد کشور را بر عهده داشت.بقایی در سال ۹۰ و زمانی که رئیس سازمان میراث فرهنگی بود به انفعال از خدمات دولتی به مدت ۴ سال محکوم شد، اما علاوه بر آن برای او جرایم مالی متعددی هم مطرح شدند.اختلاس، خرید سکه، تصرف غیر قانونی در اموال و وجود دولتی، نگهداری نازنکجک، گاز اشک‌آور، شوکر برقی، نشر اکاذیب به قصد تشویق اندهان عمومی توهین به مسئولان قوه قضائیه از جمله اتهامات بقایی است.ساز بابت اتهام اختلاس به مبلغ ۱۶ میلیارد تومان به بازده سال حبس و ۱۶۰ میلیارد ریال جزای نقدی و انفعال دائم از خدمات دولتی محکوم شده که به لحاظ استرداد تمام وجوه حاصله از جرم پیش از تنظیم کیفرخواست، اجرای مجازات حبس تعلیق و در پرداخت یک دوم جزای نقدی معاف شده است.ساز بابت اختلاس به مبلغ ۵۰۰/۷۶۶۳ یورو و ۵۹۰ هزار دلار به بازنده سال حبس و جزای نقدی معادل ۴۳۳ میلیارد و ۲۱۲ میلیون ریال و انفعال دائم از خدمات دولتی و رد مال در حق دولت.بابت تصرف غیرقانونی در اموال دولتی شامل ۷۰۳ سکه تمام بهار آزادی، ۱۸۲۲ قطعه نیم سکه، ۱۵ سکه دو نیم، و مبلغ ۲۰۰۰/۱۷۵/۲۱ ریال وجوه نقدی و ۲۰۰/۵۸۱۰/۴۵۲ تومان کارت هدیه به ۱۵ سال حبس و جزای نقدی به مبلغ ۹۸ میلیارد و ۱۱۰ میلیون ریال و انفعال دائم از خدمات دولتی و رد مال در حق نهاد ریاست جمهوری محکوم شده که دادگاه تجدید نظر با اصلاح میزان جزای نقدی و رد مال، حکم را تأیید کرده است.ساز بابت تبانی در انجام معاملات دولتی به چهار سال حبس، پرداخت ۵ میلیارد و ۱۲۶ میلیون ریال جزای نقدی محکوم شده که دادگاه تجدیدنظر در این بخش از دادنامه، قرار رفع نقض تحقیقاتی صادر و پرونده را به دادگاه بدوی اعاده داده است.ساز بابت تصرف غیرقانونی در وجوه دولتی به مبلغ ۱۰ میلیارد تومان و به ۸۰ ضربه شلاق تعزیری.

از بابت اختلاس مبلغ ۳۰۰ میلیون تومان از صندوق قرض‌الحسنه شهیدان رجایی و باهنر به ۱۱ سال حبس، ۶ میلیارد ریال جزای نقدی، انفعال دائم از خدمات دولتی و رد مال از بابت ممانعت از انجام تحقیقات توسط سازمان بازرسی کل کشور به ۶ ماه حبس‌البتنه دادگاه تجدیدنظر در مورد ۲ فقره اتهام نامبرده حکم برائت و در مورد کشف برخی اقدامات ممنوعه مانند شوکر برقی قرار تعقیب صادر کرده است.

اسفندیار رحیم مشایی

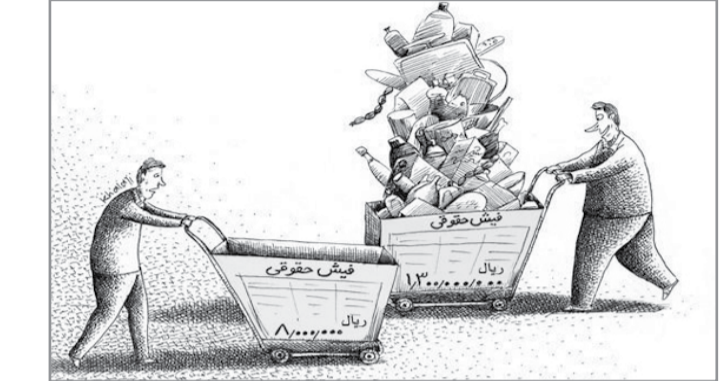
اسفندیار رحیم مشایی رئیس دفتر محمود احمدی نژاد هم یکی دیگتر از افراد نام آشنایی است که او هم به دلیل جرایم متعدد بازداشت شده است.رحیم مشایی

مالیات بر ارزش پاداش ها و

حقوق های نجومی

حسن کامران عضو کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس درباره تصویب ماده ۲۶ لایحه مالیات بر ارزش افزوده پدیده پاداش و حقوق های نجومی را به دنبال خواهد داشت، گفت: سازمان امور مالیاتی نباید از قوانین اداری، مالی و استخدامی دولت مستثنی شود.جای تعجب است که چرا دولت به دنبال امتیازهای غیرقانونی در لایحه مالیات بر ارزش افزوده برای سازمان امور مالیاتی است.

هر نوع استثنای در قانون زمینه‌ساز فساد و تبعیض است. سازمان امور مالیاتی نباید از قوانین اداری، مالی و استخدامی دولت مستثنی شود. پیشنهاد ماده ۲۶ لایحه مالیات بر ارزش افزودد از سمت دولت، بررسی و احیاناً تصویب آن توسط مجلس اشتباه است. در صورت تصویب این ماده، نظارت بر سازمان امور مالیاتی کاهش می‌یابد. این موضوع عدم‌شفافیت سازمان امور مالیاتی، خصوصاً در زمینه‌های مالی و استخدامی را هم به‌دنبال خواهد داشت.سازمان امور مالیاتی هم همچون سایر دستگاه‌های دولتی باید از قوانین اداری و استخدامی کشور تبعیت کند.



بخشش از کیسه ملت

احمد توکلی از اقدام وزیر اقتصاد در عدم پذیرش هدیه از سوی مجمع عمومی یکی از بانک ها تقدیر کرد. رئیس هیأت مدیره دیده بان شفافیت و عدالت در یادداشتی از اقدام وزیر امور اقتصادی و دارایی در عدم پذیرش هدیه از سوی مجمع عمومی یکی از بانک ها تقدیر کرد.

متن یاداشت رئیس هیأت مدیره دیده بان شفافیت و عدالت بدین شرح است:

سنت زشتی که متناسب با حکومت‌های طاغوتی است هدیه دادن به مسئولان بالادست از کیسه ملت است. این سیره غیر اسلامی و حتی مغایر تمدن جدید و از مصادیق بارز فساد سیاسی، اقتصادی و اداری است. خدا را شاکرم که هنوز مسئولانی هستند که تن به این پلشتی‌ها نمی‌دهند.مردم شریف بداندند که در مهرماه گذشته پس از اتمام مجمع عمومی بانک کشاورزی وقتی وزیر امور اقتصادی و دارایی سوار بر خودروی خود می‌شود که محوطه را ترک کند مطلع می‌شود یک لب تاپ و یک قطعه گوشی ساسونگ به عنوان هدیه در ماشین گذاشته اند. همانجا می‌استد تا همراهشان آنها را به دفتر مدیرعامل بازگردانند و رسید بگیرند.ما به عنوان یک سازمان مردم نهاد از این حرکت وزیر محترم تقدیر می‌کنیم و این نکته مهم را نیز تأکید می‌نماییم که وظیفه دیگری هم بر دوش وزیر امور اقتصادی و دارایی به عنوان عضو مجمع و حتی یک عضو هیئت دولت هست و آن تشبیه متناسب کسانی است که در امانت

مردم خیانت می‌کنند.دکتر دژپسند از ابتدای مسئولیت فعلی‌اش در دستگاه تحت امرش این خیانت را منع کرده است و خود نیز از دستگاهی هدیه نپذیرفته است. چراکه پیامبر (ص) فرموده اند: «الْهَدِيَّةُ الْإِسَى الْخِيَانَةُ أَسْتُ.» نسبت به کارگزاران خیانت است.» نسبت به این نحوه خائنانه در بانک انشاءالله مطالبی به سامع و نظر ملت شریف می‌رسانیم.این مطلب را شرق نوشت.

نه ممنون!

«دونالد ترامپ» رئیس جمهور آمریکا در پیامی در توئیتر به مصاحبه اخیر وزیر امور خارجه ایران با یک نشریه آلمانی درباره امکان مذاکره با آمریکا در صورت برداشته شدن تحریم‌ها واکنش نشان داد و آن را رد کرد.

وی در این پیام توئیتری نوشت: «وزیر امور خارجه ایران گفته که ایران خواستار مذاکره با آمریکا است اما خواستار برداشته شدن تحریم‌هاست.»ترامپ در ادامه پیام توئیتری خود در جواب این سخنان ظریف نوشت: «نه ممنون!»

وزیر امور خارجه ایران هم در مصاحبه با نشریه آلمانی اسپیکل که روز شنبه منتشر شد درباره احتمال مذاکره با آمریکا در پی ترور سپهد سلیمانی گفت: «خبر، من هرگز این احتمال را رد نمی‌کنم که افراد، رویکردهای خود را تغییر دهند و حقایق را درک کنند. برای ما مهم نیست که چه کسی در کاخ سفید نشسته باشد. آنچه مهم است نوع رفتار آنها است. دولت ترامپ می‌تواند، گذشته خود را اصلاح کند، تحریم‌ها را لغو کند و به میز مذاکره بازگردد. ما همچنان در میز مذاکره هستیم. آنها میز مذاکره را ترک کردند. آمریکا خسارت عظیمی به مردم ایران وارد آورده است. روزی خواهد رسید که آنها مجبور می‌شوند، این خسارات را جبران کنند. ما صبر زیادی داریم.»



سیستم اقتصادی ناعادلانه و به نفع ثروتمندان

از هر ۱۰ بزرگسال آمریکایی ۷ نفر می گویند که سیستم اقتصادی در این کشور ناعادلانه و به نفع گروه های قدرتمند صاحب منافع است. همچنین اکثریت زیادی از آمریکاییان می گویند که سیاستمداران، شرکت های بزرگ و ثروتمندان، قدرت و نفوذ بسیار زیادی بر اقتصاد امروز کشور دارند.این گزاره که اقتصاد آمریکا به نفع صاحبان ثروت و گروه های صاحب منافع «دستکاری شده»، درانتخابات سال ۲۰۱۶ به شدت مطرح بود و این روزها در مبارزات انتخاباتی سال ۲۰۲۰ نیز دوباره مطرح شده است.

احتمالا بسیاری از آمریکاییان انعکاس دهنده این پیام هستند. در مقایسه با کمتر از یک سوم کسانی که معتقدند این سیستم به طور کلی برای اکثریت آمریکاییان عادلانه است از هر ۱۰ بزرگسال آمریکایی ۷ نفر می گویند که سیستم اقتصادی در این کشور ناعادلانه و به نفع گروه های قدرتمند صاحب منافع است. همچنین اکثریت زیادی از آمریکاییان می گویند که سیاستمداران، شرکت های بزرگ و ثروتمندان، قدرت و نفوذ بسیار زیادی بر اقتصاد امروز کشور دارند.

این یافته ها بخشی از یک پیمایش بزرگ تر مرکز تحقیقاتی پیو در مورد نابرابری اقتصادی است. از جمله یافته های این پیمایش این است که به باور اکثریت آمریکاییان نابرابری در ایالات متحده بسیار شدید است و بیشتر کسانی که این اعتقاد را ابراز می کنند، می گویند که به منظور حل نابرابری های اقتصادی، باید تغییرات بزرگی در سیستم اقتصادی انجام شود.در میان گروه های درآمدی آمریکاییان عمدتا قبول دارند که سیستم اقتصادی ناعادلانه و به نفع صاحبان قدرت است. دو سوم بزرگسالان دارای درآمد بالا چنین نظری دارند، در حالی که ۶۹ درصد از دارندگان درآمدهای متوسط و ۷۳ درصد از بزرگسالان دارای درآمد پایین بر این نکته اتفاق نظر دارند. بیشتر از یک سوم هر یک از گروه های درآمدی نیز می گویند که سیستم اقتصادی عموما برای اکثریت آمریکاییان منصفانه است.اگر چه درپایخ به این سؤال در پاسخ طرفداران احزاب تقسیم بندی هایی مشاهده می شود. در میان جمهوریخواهان و افراد مستقلی که به سمت حزب جمهوریخواه تمایل دارند، یک تقسیم بندی آشکار مشاهده می شود و نیمی از آنها می گویند که سیستم اقتصادی به طور کلی منصفانه است و نیمی دیگری می گویند که به نفع قدرتمندان است. در میان دمکرات ها و افراد متمایل به دمکرات ها، اکثریت قاطعی از آنها (۸۶ درصد) می گویند که سیستم به نفع قدرتمندان و غیرعادلانه است، در حالی که تنها ۱۲ درصد خلاف این را می گویند.دیدگاه های جمهوریخواهان بر اساس طبقه بندی درآمدی به شدت تفاوت می کند.جمهوریخواهان دارای درآمد پایین به نسبت همنانیان برخوردار از درآمد بالای خود، بسیار کمتر احتمال دارد که بگویند سیستم اقتصادی آمریکا به طور کلی عادلانه است (۳۷ درصد در برابر ۶۳ درصد).در میان دمکرات ها اکثریت قاطعی در هر سه گروه درآمدی می گویند که سیستم اقتصادی غیرعادلانه و به نفع قدرتمندان است: ۹۴درصد از دمکرات های دارای درآمد بالا و ۹۰درصد دمکرات های دارای درآمد متوسط و ۷۹ درصد دمکرات های درآمدی پایین چنین اعتقادی را ابراز می کنند.در میان دمکرات‌ها به طور کلی توافق گسترده ای در این باره وجود دارد که گروه های صاحب منافع در اقتصاد امروز کشور نقش زیادی دارند. حدود ۸۷نفر از ۱۰ نفر بزرگسال می گویند که سیاستمداران (۸۴ درصد) ، شرکت های بزرگ (۸۲ درصد) و ثروتمندان(۸۲ درصد) قدرت و نفوذ بسیار زیادی دارند. حدود سه چهارم (۷۴ درصد) آنها می گویند که شرکت‌های بیمه ثروتمند، قدرت بسیار زیادی دارند و اکثریت این همین نظر را درباره بانک‌ها و دیگر موسسات مالی (۶۴ درصد) و شرکت های فناوری (۶۱ درصد) ابراز می‌کنند.بزرگسالان دارای درآمد بالا، متوسط و پایین عمدتا تا اندازه ای نفوذ این گروه ها را قبول دارند. برای مثال ۸۱ درصد بزرگسالان دارای درآمد بالا می گویند که سیاستمداران قدرت و نفوذ بسیار زیادی دارند، همچنین ۸۶ درصد دارندگان درآمدهای متوسط و ۸۲ درصد صاحبان درآمدهای پایین چنین اعتقادی دارند.در مورد این سؤال اکثریت هواداران هر دو حزب چنین اعتقادی را بیان می کنند. برای مثال اکثریت جمهوریخواهان (۸۶ درصد) و دمکرات های (۸۲درصد) می گویند که سیاستمداران دارای قدرت و نفوذ بسیار زیادی بر اقتصاد هستند.

وقتی این سئوال مطرح می شود که چه کسانی کمترین قدرت و نفوذ را بر اقتصاد امروز آمریکا دارند، آمریکاییان به سه گروه اشاره می کنند:اقتصاد فقیر (۷۵ درصد)، کسب و کارهای کوچک (۷۳ درصد) و طبقه متوسط (۷۲ درصد). دمکرات ها به نسبت جمهوریخواهان بیشتر احتمال دارد که بگویند افراد فقیر نفوذ بسیار اندکی بر اقتصاد دارند (۸۹ درصد در برابر ۵۶ درصد). در مورد نفوذ بسیار پایین کسب و کارها ی کوچک نیز اکثریت دمکرات ها و جمهوریخواهان اتفاق نظر دارند. میزان درآمد پاسخگویان هر دو حزب نیز بر این باور آنها تاثیر چندانی را نشان نمی دهد.این مطلب را روث ایگل نیک (Ruth Igielnik) پژوهشگر ارشد مرکز تحقیقاتی پیو نوشت .

در انتخابات مشارکت می‌کنیم

«ارپوش قبری» عضو شورای مرکزی حزب مردم‌سالاری در وضعیت فعلی یک جریان سیاسی که رقیب جریان دیگری است در بسیاری از حوزه‌ها هنوز کاندیدایی ندارد. و در مجموعه اصلاح‌طلبان در این دوره اول بسیار ثبت‌نام نکردند و دوما همان تعدادی که ثبت‌نام کردند رد صلاحیت شدند و اعتراضاتی صورت گرفته که نتیجه اعتراض‌هایی که به عمل آورده تا هفته آینده مشخص می‌شود. شورای نگهبان با اعلام نهایر روند بررسی صلاحیت‌ها نحوه حضور و پیروزی جریانات سیاسی در انتخابات مجلس را مشخص خواهد کرد.باید ابتدا به این موضوع اشاره که آیا اصلا چهره اصلاح‌طلبی برای ورود به انتخابات مجلس باقی مانده است که این جریان بتواند در انتخابات مجلس لیست ارائه دهد؟در مجموع، به نظر می‌رسد که انتخابات مجلس به نوعی در حال شکل‌گیری است که فضای انتخابات به نظر من بسیار سرد است و هنوز فضا به سمت مشارکت به معنای واقعی شکل نگرفته است.رقابت اصلی برای مجلس بین قالیباف و حامیان احمدی‌نژاد خواهد بود. اصلاح‌طلبان چه با لیست، چه بدون لیست حتما در انتخابات مشارکت می‌کنند.اصولگرایان سنتی حریف احمدی‌نژادی‌ها و قالیباف نمی‌شوند

همواره در روزهای منتهی و نزدیک به انتخابات امع از مجلس و ریاست‌جمهوری فضای داغ انتخاباتی در کشور شکل می‌گیرد که این روند در گذشته یکپما به انتخابات به شکل فعلی نبود و ما شاهد فضای گرم‌تری بودیم و به نوعی یک شور و نشاط انتخاباتی ایجاد می‌شد که این فضا هنوز در کشور ایجاد نشده و اینکه این شور و نشاط در روزهای آینده شکل می‌گیرد با خیر باید منظر باشیم و ببینیم که چه اتفاقی می‌افتد.در وضعیت فعلی یک جریان سیاسی که رقیب جریان دیگری است در بسیاری از حوزه‌ها هنوز کاندیدایی ندارد و در مجموع اصلاح‌طلبان در این دوره شدند و اعتراضاتی صورت گرفته که نتیجه اعتراض‌هایی که به عمل آورده تا هفته آینده مشخص می‌شود.بدون شک اگر اصلاح‌طلبان بتوانند لیست‌های انتخاباتی خود را ببندد هدفشان این است که مشارکت وسیع و گسترده‌ای داشته باشند و البته در هر صورت در انتخابات چه با لیست و چه بدون لیست مشارکت کنند.این وضعیت در صورتی که اصلاح‌طلبان کاندیدا داشته باشند لیستی از طرف آنها ارائه می‌شود و رقابت جدی‌تر خواهد شد و قطعا در یک انتخابات رقابتی مشارکت مردم هم وسیع و بالا خواهد بود.

در غیاب یک انتخابات رقابتی حتما میزان مشارکت کاهش پیدا می‌کند و در صورت کاهش مشارکت شناسن گروه‌هایی تقویت می‌شود که به لحاظ پایگاه رای در مجموعه وضعیت مناسبی ندارند و نهایتا در مجموع هر چه مشارکت کاهش پیدا کند شناس آنها بیشتر خواهد شد.اصولگرایان هم گرچه در مجموع در شرایطی قرار گرفتند که رقیب اصلاح‌طلب‌شان حضور پررنگی در عرصه ندارد ولی خود آنها دچار اختلافات داخلی زیادی شدند و به نظر می‌رسد آنها هم به سمت لیست‌های متعددی بروند و طیف سنتی‌تر اصولگرا با طیف عملگرا اختلافاتی دارند که آنها را به سمت لیست‌های گوناگانه سوق می‌دهد.

بدون شک در غیاب اصلاح‌طلبان رقابت جریاناتی که همفکر هم هستند بسیار جدی خواهد بود و دو طیف عملگرای حامیان احمدی‌نژاد و قالیباف رقابت جدی باهم خواهند شد و با بخش سنتی‌تر اصولگرا در جهت رقابت وارد عمل خواهند شد.اصولگرایان با توجه به اینکه در تلاشند با یکدیگر وحدت داشته باشند، اما به نظر می‌رسد در بعضی از حوزه‌های انتخابیه رسیدن به نتیجه مشترک بعید به نظر می‌رسد از این رو به نظر می‌آید اصولگرا در انتخابات مجلس لیست‌های متعددی را ارائه دهند.در مجموع در فلسفه انتخابات بین اینکه چه فردی انتخاب شود مهم نیست، اما آنچه مهم است انتخاب تفکرات و اندیشه‌ها است از این رو از منظر من رقابت داخلی اصولگرایان در انتخابات مجلس به ضرر آنها خواهد بود و هیچ عایدی برای این جریان نخواهد داشت.

بعضی‌ها از کلمه «رفران‌دوم» خوششان نمی‌آید

حسین روحانی رئیس‌جمهور ضمن اشاره به اصل همه‌پرسی در قانون اساسی گفت: بعضی‌ها از کلمه «رفران‌دوم» خوششان نمی‌آید، اما پایه انتخابات ما از رفراندوم بود و از همه‌پرسی شروع شده است. بزرگ‌ترین خطر برای دموکراسی و حاکمیت ملی است، روزی است که انتخابات تشریفاتی شود، جای دیگری انتصاب فرمایند، بعد مردم پای صندوق بروند تشریفات انتخابات را انجام دهند.باید پاسدار اسلام، نظام، جمهوریت، نظر و خواست عامه مردم باشیم. بزرگ‌ترین خطر برای دموکراسی و حاکمیت ملی آن روزی است که انتخابات به تشریفات تبدیل شود.

شرایط امروز ما با همیشه متفاوت است ما در آستانه سی و هفتمین انتخابات ملی هستیم. از آن انتخابات اولی که در فروردین سال ۵۸ که با همه پرسی و رفراندوم شروع شد؛ بعضی‌ها از کلمه «رفران‌دوم» خوششان نمی‌آید، اما پایه انتخابات ما از رفراندوم بود از همه پرسی شروع شده است. نظام ما روی رفراندوم است و پایه اصلی آن رفراندوم است و آن همه پرسی اول بود که تعیین کرد نظام ما جمهوری اسلامی است.

همان همه‌پرسی اول بود که به ما گفت، دو چیز را تا پایان این نظام مدنظر قرار دهید. اسلامیت و جمهوریت. بنابراین مردم به جمهوری سلاامی رای دادند. ما همه باید پاسدار اسلام و جمهوریت یعنی پاسدار رضایت عامه و نظر و خواست مردم باشیم. ما به همین رای دادیم. نظام ما از دهم و یازدهم فروردین ۱۳۵۸ شروع شد و دوازدهم به عنوان روز جمهوری اسلامی اعلام شد.یک پایه قانون اساسی ما هم‌پرسی است. قانون اساسی هم بعد از انتخابات اعضای خیرگان قانون اساسی هم با همه‌پرسی و رفراندوم قانون اساسی شد.بدون استثنا مشروعیت و پایه کار همه ما از قانون اساسی است و قانون اساسی و همه قوانین و مقررات مشروعیتشان از آرای مردم و رای مردم است؛ البته در چارچوب موازین اسلام که همه ما به آن چارچوب موازین اسلام متعهد و معتقد هستیم.همانطور که اشاره شد ما از مشروطه با مساله

در آستانه انتخابات

نمایندگان مجلس به یاد کارگران افتادند

در شرایطی که کارگر، دستمزدش یک‌چهارم خط فقر است و نمی‌داند که آیا همین فردا شاغل خواهد ماند یا خیر، نمی‌تواند به هیچ کدام از پروپاگاندهای بی‌پشتوانه و بعضا غیرکارشناسانه در رابطه با یارانه و مزد و همسان‌سازی اعتماد کند؛ با این حال، سوال اساسی یعنی مطالبه‌ی اساسی همچنان پابرجاست؛ چرا در طول چندین دوره از ادوار پیاپی مجلس، هیچ زمان هیچ تلاشی برای اجرای قانون کار و احقاق حقوق کارگران صورت نگرفت؟!

اصلی‌ترین وظیفه‌نمایندگان مجلس نظارت بر اجرای قانون و دفاع از حقوق موکلان در زمینه صیانت از حقوق قانونی و شهروندی‌ست؛ با این تعریف، ساده‌ترین وظیفه‌ی نمایندگان در قبال کارگران این است که بر اجرای مهم‌ترین و

اصلی‌ترین وظیفه‌نمایندگان مجلس نظارت بر اجرای قانون و دفاع از حقوق موکلان در زمینه صیانت از حقوق قانونی و شهروندی‌ست؛ با این تعریف، ساده‌ترین وظیفه‌ی نمایندگان در قبال کارگران این است که بر اجرای مهم‌ترین و



شرایط نانوشته نامزدهای انتخابات مجلس

شورای نگهبان در انتخابات امسال کاندیداها را بر اساس تفکر، فعالیت در شبکه‌های مجازی و مسافرت های آنان گزینش می‌کند؟! یک میز انتهای سالن ثبت نام کاندیداها بدون جلب توجه خبرنگاران و عکاسان قرار گرفته و افرادی که پشت آن نشسته اند که کارشان خود را طوری برگردانده اند که اسامی آنان برای عکاسان کجی‌کاو مشخص نشود. در این انتخابات برخلاف دوره های قبلی افرادی که در انتخابات ثبت نام کرده اند به نوبت با آنها مصاحبه می‌شود.

اما مصاحبه کنندگان چه کسانی هستند؟! سوال‌ها درباره چیست؟ و اصلا چرا باید با کاندیداها مصاحبه شود؟چرا باید مصاحبه کنندگان هویت خود را پنهان کنند هم سوالی است که مسئولان اجرایی انتخابات پاسخی به آن ن داده اند. اما افراد پشت آن میز چه کسانی بوه و چه چیز می‌پرسیدند را ما می‌توانیم، با جزئیات شرح دهیم. بر اساس روال قانون انتخابات؛ پس از ثبت نام کاندیداها ابتدا هیات های اجرای صحت مدارک را بررسی کرده و پس از اعلام نظر مراجع چهار گانه مصرح در قانون اساسی و تایید آنها پرونده نامزدهای انتخابات مجلس به هیات های نظارت ارائه می‌شود. اینکه همزمان با ثبت نام کاندیداها؛ شورای نگهبان قانون اساسی خواهد تحقیق و تفحص درباره کاندیداها را از طریق "مصاحبه " و پر کردن فرم مخصوص انجام دهد؛ امری «عجیب و غیر معمول» است. می توان گفت این اتفاق در اولین دوره انتخابات است که اعضای هیات نظارت از کاندیداها می خواهند فرم های مخصوصی را پر کرده و به سوالاتی مانند سیاسی-سیاسی، طرز تفکر جناحی، مسافرت به خارج از کشور، فعالیت در شبکه های اجتماعی،

آرای مردم و انتخابات آشنا شدیم. آن همه فداکاری‌ها در مشروطه برای این بود که آرای مردم حاکم شود و حاکمیت ملی یکی از اهداف مهم مشروطه و انقلاب اسلامی بود و اینکه کسی جز مردم بر سرنوشت خویش حاکم نشود. انتصابات بزرگترین خطر برای دموکراسی و برای حاکمیت ملی است، روزی است که انتخابات تشریفات شود جای دیگری انتصاب فرمایند، بعد مردم پای صندوق بروند تشریفات انتخابات را انجام دهند. خدا نکند چنان روزی برای کشور ما پیش بیاید. یک دلیل انقلاب ما این بود که خودشان بر سرنوشت خود حاکم نشوند؛ حاکمیت ملی یکی از اساس حرکت‌های مردم بود.در انقلاب اسلامی معلوم شد که این طور نیست که تهران تصمیم بگیرد بلکه مردم تصمیم‌گیر هستند پای صندوق می‌آیند و به آن که می‌خواهند رای می‌دهند.

۹۶ جزو روزهای تلخ تاریخ ماست که من هیچ وقت از یادم نمی‌رود و این ۹۶ بود که ترامپ را پررو کرد و به آمریکا برابر ایران قدرت دادیم.پاسدار جمهوری هم باشیم. کلمه "جمهوری" در قانون اساسی ما هست. نگران هستم روزی کلمه جمهوری به جرم تبدیل شود.در قانون اساسی ما کلمه جمهوری، رئیس جمهوری، جمهوریت وجود دارد. ما باید پاسدار اسلامیت و جمهوریت باشیم. همه ما باید از اسلام و جمهوریت و ایران و قانون اساسی به خوبی دفاع کنیم.امروز یک روز سلاهد در کشور ما نیست، دو سال است در شدیدترین فشارهای اقتصادی، سیاسی و تبلیغاتی قرار گرفته‌ایم. ترامپ می‌خواهد به دنیا بگوید ایران یک جزیره تنها و منزوی است. او می‌خواهد دور ایران دیوار همیشگی بکشد.آن‌ها می‌خواهند ما را از دنیا جدا کنند. هر جا هر کس به ناروا و غلط ما را از دنیا، منطقه، دنیای اسلام و دوستانمان جدا کند باید فردا پیش مردم پاسخگو باشد و ما باید هیچ تردیدی نیست که انتخابات به ویژه انتخابات مجلس شورای

تبدیل وضعیت کارگران بیمانکاری به قراردادی یا رسمی انجام ندادند یا در سطح نازل‌تر، به دنبال اجرای ماده ۱۳ قانون کار مبنی بر ضرورت احیای مسئولیت تضامنی کارفرمای مادر نرفتند؛ چه در شهرهای‌

و چه در پتروشیمی‌ها، پیمانکاران متعددی حق و حقوق کارگران را ندادند و کارفرمایان صادر نیز از زیر بار مسئولیت تضامنی راحتی فرار کردند؛ پرداخت یارانه ۷۵ هزار تومانی به هسهی مردم!اول بهمن ماه، احمد امیرآبادی فراهانی (عضو هیات رئیسه مجلس) پیشنهاد پرداخت یارانه ۷۵ هزار تومانی به همه مردم را مطرح کرده است. او گفته است: ۲۶ هزار میلیارد تومان باقی مانده از درآمد حاصل از افزایش قیمت بنزین نیز میان ۷۸ میلیون نفر توزیع و یارانه هر فرد ۳۰ هزار تومان بیشتر شود. در صورت موافقت با این پیشنهاد یارانه نقدی هر ایرانی ۷۵ هزار تومان می‌شود.

باید به یاد داشت که تبلیغات برای افزایش مبلغ یارانه، خیلی وقت‌ها یکی از راهکارهای متداول کاندیداهای انتخابات –چه انتخابات مجلس و چه انتخابات ریاست‌جمهوری– برای جمع کردن رای حداکثری از طبقات فرودست مردم –بیکاران، کارگران کم‌درآمد و سایر مزدبگیران کم درآمد– بوده است و به نظر می‌رسد که هنوز این راهکار، طرفدار دارد و مورد استفاده قرار می‌گیرد! نمایندگان همسان‌سازی را اجرایی می‌کنند!این اظهارات در حالی جامعهی بازنشستگان کشور را به عنوان جامعهی هدف در نظر گرفته و قصد دارد برای آنها راهکار خلق کند که در لایحه بودجه ۹۹ اعتبار همسان‌سازی حقوق بازنشستگان، ۶هزار میلیارد تومان است و نه ۳ هزار میلیارد تومان! در ضمن همین مبلغ به شدت ناکافی است و بازنشستگان توقع داشتند نمایندگان

نمایندگان مجلس شورای اسلامی در جریان جلسه علنی

انتخابات برای این نیست که هر کسی قدرتمند بود و پول بیشتری داشته باشد شناس برنده شدن بیشتری پیدا کند.همین مسئله احتمال انتخاب آگاهانه را به صفر میرساند.و مجلس به جای خدمت به مردم جایی برای تجارت و جمع اوری پول و قدرت بیشتر برای اسپانسر ها و دور های بعدی خواهد بود. توهم و ابراز وجود: کلا میشود کاندیدا های منطقه رو به سه دسته تقسیم کرد.که با کمی تحقیق و بررسی میتوان کاندیدا ها رو در این سه دسته قرار داد. دسته اول (توهم زدگان پیروز)؛این دسته شامل تعدادی از عزیزان میشود که حتی که و سلواجر چنین روز بعد انتخابات مجلس و متن سخنرانی در اون مراسم هم نوشته اند. این توهم بر میگردد به تجربه کم این عزیزان در سیاست. که گمان می‌کنند هر کسی سلام ما رو گرم گرفت قطعا هوادار ماست.

حتی چند روز پیش نزدیکان یکی از این نامزدها به من

توضیح

خوش اخلاقی ها خوش خلق ها خوش دلق ها در حوزه اجتماعی و اقتصادی



اسلامی بسیار مهم است، ولی از آن مهم‌تر اعتماد مردم و سرمایه اجتماعی است. همه باید در انتخابات حضور پیدا کنند.ما نظام کمونیستی نیستیم. نظام شاه نیستیم. فقط حزب رستاخیز و کمونیست نداریم. ما تک حزبی نیستیم ما نظام چند حزبی هستیم. احزاب آزاد هستند به خصوص در دولت تدبیر و امید که دست و بالشان باز شده و هر کس که خواسته آمده و مجوز گرفته و خانه احزاب فعال شده است. از تمام ملت ایران، مرد و زن جوان و پیر، از روستایی و شهری و از تمام اقوام و مذاهب خواهش می‌کنم؛ امروز روزی است که باید پای صندوق رای برویم حتی اگر که گلابه داریم ناراحتیم و مشکلاتی باشد و بگویید جایی دقیق عمل و اجرا نشده است.با صندوق رای قهر نکنیم حتی اگر این که شما در تهران بجای ۳۰ نامزد ۲۰ تا ۱۵ داشته باشید یا در جایی که ۶ نامزد دارد ۴ نامزد داشته باشید. در انتخابات اگر هم دیدیم نقص و ایرادی است خواهش می‌کنم روز انتخابات دوم اسفند یک روز تاریخی و یوم الله است کاری نکنیم که صفا خلوت باشد بگذاریم همه پای صندوق بیایند.

مجلس در جریان بررسی لایحه بودجه، این مبلغ را افزایش دهند اما مساله اینجاست که به زعم این نماینده مجلس، چطور قرار است بعد از بررسی و تصویب رقم، احتمال افزایش اعتبار وجود داشته باشد؟! با چه مکانیزمی و چگونه؟! آیا هدف از این وعده، فقط و فقط جذب حداکثری مخاطب است! رسمی شدن قراردادی‌ها؛بازهم در همان اول بهمن ماه، زهرا سعیدی مبارک نماینده مردم مبارکه در مجلس شورای اسلامی از وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی خواست تا نیروهای قراردادی در اسرع وقت به نیروهای پیمانی و رسمی تبدیل شوند.خواستهی این نماینده، مشخص شدن حداکثر زمان قراردادهای موقت است اما سوال اینجاست که چرا در بیش از یک سال گذشته که آیین‌نامه‌ی مربوطه در راهروهای دولت معطل مانده بود، نمایندگان تلاش نکردند آن را به ایستگاه نهای، یعنی به مرحله تصویب و ابلاغ برسانند؛ چرا احیای امنیت شغلی همچنان بر زمین افتاده باقی ماند؟! پروپاگاندا ی تبلیغاتی یا عمل به قانون؟! عبدالله وطن‌خواه (فصلال کارگری) در این رابطه می‌گوید: مجلس و نمایندگان مجلس، نماینده واقعی کارگران نیستند؛ بدهی‌ست در شرایطی که کارگر، دستمزدش یک‌چهارم خط فقر است و نمی‌داند که آیا همین فردا شاغل خواهد ماند یا خیر، نمی‌تواند به هیچ کدام از این پروپاگاندهای بی‌پشتوانه و بعضا غیرکارشناسانه در رابطه با یارانه و مزد و همسان‌سازی اعتماد کند؛ با این حال، سوال اساسی یعنی مطالبه‌ی اساسی همچنان پابرجاست؛ چرا در طول چندین دوره از ادوار پیاپی مجلس، هیچ زمان هیچ تلاشی برای اجرای قانون کار و احقاق حقوق کارگران صورت نگرفت؟!این مطلب را نسرین هزاره مقدم در ایلنا نوشت.

میگفت که به خاطر خودت هم شده بیا تبلیغات پیش ماچون حداقل بعد پیروزی تو رو از نزدیکان خودش بدونه.حتی طوری وانمود میکرد که به خاطر من این پیشندان رو داده است.این عزیزان مطمئن چند روز بعد از انتخابات از خواب خود بیدار خواهند شد و اما دسته دوم (نامزدهای منتقدی)؛این دسته که تعداد خیلی کمی از این نامزدها رو شامل میشه عزیزانی هستن که وکیل مردم شدن و انتخاب شدن رو کار سختی میدانند و پیروزی رو در گرو تلاش شبانه روزی برای تبلیغات خود میبینند. و مطمئن باشید که نماینده ما از این دسته خواهد بود. و آخر دسته سوم(ابراز وجود کنندگان)؛دسته آخر کاندیداهایی هستن که خود هم خوب می‌دانند جزو نفرات اخر این انتخابات خواهند بود.و تنها دلیل شرکت آنها در این امتحان ابراز وجود و نشان دادن خود به مردم و مسئولین منطقه برای آینده سیاسی خود هست.



معلمه خوش اخلاق ها و خوش دوق ها در حوزه اجتماعی و اقتصادی

توفیق

التبتیادکات

تعجب از تعجب جهانگیری!

اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس‌جمهور گفته است: "هیچ وقت فکرش را هم نمی‌کردم که کشور مستقلی مانند هند با تحریم‌های آمریکا همراه شود و نفت ایران را نخرد!"

یعنی آقای جهانگیری نوع بازیگری هند در نظام جهانی را نمی‌شناسد؟ از سطح روابط تجاری و سیاسی هند و آمریکا خبر ندارد؟ میزان وابستگی هند به نفت کشورهای حوزهٔ خلیج فارس از جمله عربستان را نمی‌داند؟ از دوستی صمیمانهٔ نراندرا مودی نخست‌وزیر هند با بنیامین نتانیاهو همتای اسرائیلی او و روابط نزدیک دو کشور مطلع نیست؟ افزایش گرایشات هندوتیسم افراطی

امید به «خیلی کم» و «خیلی دیر»

اخیرا دکتر رئانی به آینده (۲۰-۳۰ سال بعد) ایران اعلام امیدواری کرده اند که دعا کنیم انشالله خیلی زودتر از ۲۰-۳۰ سال درست دربیاید ولی تقریبا همه مواردی که بعنوان مایه امیدواری اشاره کرده اند وقتی فکر و تامل کنیم می‌بینیم که مایه تاسف و نگرانی اند. بعلاوه ۲۰-۳۰ سال بعد به قدر کافی دیر و دور است و تا آن موقع اکثریت جمعیت جوان فعلی و مسن ترها عملا از دور خارج شده اند.

سرعت رشد و تحولات اقتصاد، علم و تکنولوژی بالاست،لذا اگر این چند سال دیگر در تحریم زندانی بماند، هم از اقتصاد عقب خواهد ماند هم از رشد علم و تکنولوژی. عقب ماندگی مذکور به احتمال زیاد چنان تثبیت خواهد شد که دیگر امکان رسیدن مجدد به رقبای منطقه ای (ترکیه، عربستان و اسرائیل) ممکن نخواهد شد و قدرت اقتصادی، سیاسی و تکنولوژیک ایران در حد عراق، افغانستان و



«سه مغ، سه فرزانه، اهل شرق ایران بودند. داستان به این شکل روایت شده است که آن سه نفر از شرق هدایایی از جنس زره، مر میر گیاه کافور و کندر برای مسیح نوزاد آوردند. حتما لحظه زیبایی بوده است. پیروان مسیح نوزاد، ۱۹۵۳ سال بعد این گونه، این لطف را جبران کردند. ابتدا آن‌ها کودتایی را انداختند که نخست‌وزیر ایران که به صورت

رابطهٔ تهران - واشنگتن وارد مرحله‌ای از تلاطم شده

است که ناظران سیاسی یک روز آنها را در آستانهٔ ورود به جنگ می‌بینند و روز بعد وقوع جنگ را منتفی می‌دانند!واقعیت این است که هیچکدام از دو کشور آمریکا و ایران، نفعی در ورود به جنگی بزرگ و همه جانبه برای خود نمی‌بینند و به همین دلیل، پس از برداشن خور گام به سمت جنگ بلافاصله گامی در جهت معکوس برمی‌دارند.این وضعیت سبب شده است تا بسیاری از تحلیل‌گران بین‌المللی، سیاست آمریکا در برابر جمهوری اسلامی را ناروشن ارزیابی کنند. این اما نکته‌ای است که علاقه‌ای وصف‌ناپذیر برای شعله‌ور شدن جنگ بین ایران و آمریکا دارند، به عمد به آن دامن می‌زنند.سیاست آمریسا در برابر جمهوری اسلامی از قضا بیش از اندازه روشن و شفاف است. آنها با قطع صادرات نفت ایران، راه تنفس آذای اقتصاد کشور را بند آورده‌اند و به امید روزی نشسته‌اند که سران جمهوری اسلامی برای پیشگیری از فروپاشی اقتصادی، پشت میز مذاکره بنشینند تا مجموعهٔ اختلافات دو کشور به

نامه تاریخی سه سیاستمدار ملی‌گرا

سه سیاستمدار ملی‌گرا فروهر، سنتجابی و یختیار خطاب به محمدرضا شاه پهلوی در نامه تاریخی به شاه ۲۰ ماه قبل از وقوع انقلاب ۵۷ نوشتند:
اعلی حضرت! صنایع تعطیل شده و مملکت به بن بست رسیده است؛ برای حل مشکلات، استبداد را رها کنید و از نیروهای موجود در جامعه کمک بگیرید!پیشگاه اعلی حضرت همایون شاهنشاهی،فرزاندگی تنگنا و ناسامانی‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور چنان درونمای خطرناکی را در برابر دیدگان هر ایرانی قرار داده که امضاکنندگان زیر بنا بر وظیفهٔ ملی و دینی در برابر خدا و خلق خدا با توجه به این که در مقامات پارلمانی و قضایی و دولتی کشور کسی را که صاحب تشخیص و تصمیم بوده، مسئولیت و مأموریتی غیر از پیروی از «منوبات ملوکانه» داشته باشد نمی‌شناسیم و در حالی که تمام امور مملکت از طریق صدور فرمان‌ها انجام می‌شود و انتخاب نمایندگان ملت و نظای قوانین و تأسیسات حزب و حتی انقلاب در کف اقتدار شخص اعلی حضرت قرار دارد که همهٔ اختیارات و افتخارات و بنابراین مسئولیت‌ها را منحصر و متوجه به خود فرموده‌اند این مشروح‌ه را علی‌رغم خطرات سنگین تقدیم حضور می‌نماییم.در زمانی مبادرت به چنین اقدامی می‌شود که مملکت در هر طرف در لبه‌های پررنگه قرار گرفته، همهٔ جریان‌ها به بن‌بست کشیده، نیازمندی‌های عمومی به خصوص خواروبار و مسکن با قیمت‌های تصاعدی بی‌نظیر دچار نایابی گشته، کشاورزی و دامداری رو به نیستی گذارده، صنایع نوپای ملی و نیروهای

در حزب بهارتیا جاناتا در دورهٔ ریاست جمهوری مودی برایش ناشناس؟

یعنی همهٔ اینها کافی نیست تا هند برای حفظ منافع خاص خود،

جمهوری اسلامی را به حال خود رها کند؟

ظاهرا در دستگاه دولت یا چرخش دقیق و صحیح اطلاعات مخدوش و میویب است و یا دستگاه تحلیلی مجربان و مشاوران از رده خارج است! و یا هر دو! ظاهراً هر دو، زیرا اگر اینگونه نبود، همشهری گرمای من با چنین لحن سوزناکی از پشت کردن هند به دولت ایران این همه تعجب نمی‌کرد!، این مطلب را احمد زیدآبادی نوشت.

خواهد کرد.
قسمت اعظم جامعه دیده نمی‌شود،اکثر

فعالان اجتماعی و سیاسی مشهور، با مستضعفین و نیز اقلیتها ارتباط کمی دارند و بعید است که تصویر مستقیمی از وضعیت مردم و صدماتی که در مشکلات اقتصادی می بینند، داشته باشند.
در اغلب مطالبشان هم استنادی به آمارهای معتبر دیده نمی‌شود.
لذا باید نگران بود که قسمت اعظم جامعه دیده نمی‌شوند.

نسل جوان باسواد نمی‌تواند بدون نهادهای مناسب کار چندانی انجام دهد،وجود نسل جوان باسواد و "ایدئولوژی زده"، برای توسعه لازم و خوب است ولی اصلا کافی نیست بلکه مکانیسمهای نهادی خیلی متفاوت و خیلی زیاد هم لازم است.
اغلب نهادهای موجود همین الان کارکرد مورد انتظار را ندارند*
و اگر محدودیتیهای اقتصادی و سیاسی همین الان رفع شوند، بازگشت نهادهای به شرایط عادی مدتها طول خواهد کشید.
اما اگر وضعیت وخیم اقتصادی و محدودیتیهای سیاسی چند سال دیگر ادامه یابد، کارکردهای نهادهای موجود ضعیف تر شده و بازگشت آنها به شرایط عادی مدت بیشتری طول



خواهد کشید.
دارد تا موثر باشد.
اغلب نهادهای موجود همین الان کارکرد مورد انتظار را ندارند.
این کارکرد کافی/ لازم را دارند؟
نهاد مجلس؛
نهاد ریاست جمهوری؟
نهاد قضاوت؟
نهاد وزارت؟
نهاد انتخابات؟
نهاد قانون اساسی؟
نهادهای خصوصی اقتصادی؟
نهادهای غیرحکومتی اجتماعی؟
نهاد خانواده؟
نهاد دانشگاه؟
نهاد مدرسه؟
مقاومت غیررسمی ها و غیرقانونی ها،حتی اگر مقامات همین امروز تصمیم به اجرای قانون اساسی و رعایت شاخصهای حکمرانی خوب بگیرند، باندهای غیرقانونی ثروت و قدرت و بصورت یکشبه از بین نخواهند رفت و با تجربه ای که طی سالهای سال بدست آورده اند، سالیهای طولاتی به فعالیتهای منفی و سواستفاده شان از نهادهای ادامه خواهند داد که همین به معنی کاهش منابع برای نیازهای قانونی لذا به معنی تضعیف اکثریت مردم است.
فعالیتهای غیررسمی شکل گرفته هم باز بصورت یکشبه شفاف و رسمی نخواهد شد و طیها به اندازه فعالیتهای رسمی فواید نخواهد داشت.
این مطلب را عیسی پوله در جامعه نو نوشت.

از تولد عیسی مسیح تا کودتای علیه مصدق

مسیح که - برای برقراری صلح به زمین آمده بود- ادای احترام کنند، فراموش کرده بودند؛ روز مقدسی که سالگرد رویداد ملاقات این سه مغ ایرانی با مسیح نوزاد است این دوشنبه است.
اشاره مایکل مور به خاخشویان یا جشن ایفغانی است که در آن مسیحیان روز ۶ ژانویه را جشن می‌گیرند!
اکنون نیازی نیست که آن را جشن بگیرید.
در واقع بهتر می‌شود اگر سه مرد ایرانی را ببینید که یک ماه بعد به سمت شما می‌آیند.
احتمالاً عاقلانه خواهد بود که سر خود را بدزدید و اگر شما یک ایرانی هستید و سه مسیحی اهل آمریکا را دیدید که یک ماه بعد به سمت شما می‌آیند از طرف من اجازه دارید که آن‌ها را متوقف کنید.
و به آن‌ها یک کپی از یک فصل (سوره) کامل از قرآن را بدهید که در آن مریم، مادر عیسی ادای احترام می‌شود و داستان او را روایت می‌کند.
زنی که تمام مسلمین به او ادای احترام می‌کنند.
دست خود آن‌ها نیست، آن‌ها ما را دوست دارند.
مغ‌انگیز است که ما نمی‌توانیم با چیز دیگری جز قتل پاسخ آن‌ها را بدهیم.

نمی‌خواهند با هم بجنگند و نمی‌توانند با هم صلح کنند!

ظاهراً آمریکا و متحدان منطقه‌ای‌اش از چندی پیش همین گروه‌ها را هدف قرار داده‌اند تا به زعم خود پر و بال جمهوری اسلامی را در منطقه قیچی کنند.
آنچه در عراق جریان دارد، به واقع حرکتی پیچیده برای دستیابی به همین هدف است.

این در حالی است که ناآرامی‌های آلمان ماه و پیامدهای آن، کار جمهوری اسلامی را در مواجهه با کارزار خارجی پیش روی آن سخت‌تر کرده و فرا رسیدن موعد انتخابات مجلس نیز در این وضعیت، بر ابهام اوضاع افزوده است،واقعیت این است که از نگاه یک ناظر بیرونی، دیگر نمی‌توان جهت حرکت ایران را برای عبور از این موقعیت به درستی تشخیص داد.
صداهای ناهمگونی‌ای محافل صاحب نفوذ و قدرت به گوش می‌رسد که صدای غالب در آنها کم است.
با اینکه گویا محافل اصولگرا تسخیر مجلس آینده را به عنوان گامی برای یکدستی بیشتر قدرت و اتخاذ سیاست‌های مشخصی تر تلقی می‌کنند، اما بسیاری از آنها در همین هدف نیز چندان قاطع و مصمم به نظر نمی‌رسند و اصرار عجیبی بر لزوم مشارکت جناح اصلاح‌طلب در انتخابات دارند.



در روزگار کنونی و موقعیت جغرافیایی حساس کشور ما،ادارهٔ امور چنان پیچیده گردیده که توفیق در آن تنها با استمداد از همکاری صمیمانهٔ تمام نیروهای مردم در محیطی آزاد و قانونی و با احترام به شخصیت انسان‌ها امکان‌پذیر می‌شود.
این مشروحهٔ سرگشاده به مقایهٔ تقدیم می‌گردد که چند سال پیش در دانشگاه هاروارد فرموده‌اند:«تجاوز به آزادی‌های فردی و عدم توجه به احتیاجات روحی انسان‌ها ایجاد سرخوردگی است و افراد سرخورده راه منفی پیش می‌گیرند تا ارتباط خود را با همهٔ مقررات و سنن اجتماعی قطع کنند و تنها وسیلهٔ رفع این سرخوردگی‌ها احترام به شخصیت و آزادی افراد و ایمان به این حقیقت‌هاست که انسان‌ها بردهٔ دولت نیستند و بلکه دولت خدمتگزار افراد مملکت است.»
و نیز به تازگی در مشهد مقدس اعلام فرموده‌اید:«رف عیب به وسیلهٔ هفت‌تیر نمی‌شود و بلکه به وسیلهٔ جهاد اجتماعی می‌توان علیه فساد مبارزه کرد.»

ماهنامه اقتصادی و اجتماعی-سال پنجم - شماره ۴۸ و ۴۹- دی و بهمن ماه ۱۳۹۸

دوقطبی سازی رسانه‌ای

دو قطبی کردن یکی از شگردهای رسانه های جمعی برای بر هم زدن قواعد بازی دستکاری در افکار عمومی، تضعیف سرمایه اجتماعی برای به حاشیه راندن مسائل اصلی جامعه است.
کانون های قدرت پروژه در ایام انتخابات هـا با کنش گری بر بال رسانه های جمعی و با کاربست تاکتیک جنگ روانی دو قطبی کردن، در صدد حداکثر کردن منافع با کمترین هزینه هستند.
با کاربست تاکتیک دو قطبی کردن پاره ای از اصحاب سیاست، موج های مصنوعی در عرصه عمومی براه انداخته و دستیابی به قدرت را هموار می کنند.
دو قطبی کردن، موجب حرکت از مدار عقل به مدار احساسات و هیجانات با هدف تامین منافع باندهای سیاسی است.
دو قطبی هایی مانند«رژشی و غیر ارزشی»، «خودی و غیرخودی»، «با بصیرت و بی بصیرت» «مدیریت جهادی و غیرجهادی» و مواردی از این دست در کشور بزرگی مانند ایران با وجود پاره فرهنگ ها و اقوام متنوع و گروههای سیاسی متکثر هر چند ممکن است بخشی از واقعیات جامعه را نشان دهد اما همه واقیعت نیست!اگر چه افراز جمعیت به چنین دو گانه هایی در رسانه های جمعی یا رسانه های اجتماعی دور از انتظار نیست ولی رسانه های جریان اصلی با توجه به استفاده از بودجه عمومی، حق شقه کردن مردم جامعه را ندارند و باید از منافع شهروندان دفاع کنند.دو قطبی کردن هر چند ممکن است نتایج سیاسی زودگذری را برای برای ای از گروههای سیاسی ببار آورد ولی شکاف هایی درون جامعه ایجاد می کند.
در واقع مزه قدرت آنقدر به کام عده ای خوش آمده که حاضرند با پاره کردن ریسمان وحدت مردم، برای خود سالادی درست کنند که فقط به ذائقه آنان خوش بیاید.
دو مورد از کارکردهای اصلی رسانه های جمعی ایجاد «همسنگی مردم» و "یکپارچگی جامعه" است که حصول این دو، در تضاد با تئوریزه کردن چنین دسته بندی هایی از شهروندان است.
چنین دوگانه هایی ساخت کارخانه های فکری قدرت هایی است که کنترل منابع جامعه را در اختیار دارند.
و البته بر سر معیارهای موجد چنین دو گانه هایی در کشور نیز اجماع عمومی وجود ندارد.بذر دو قطبی سازی در همه جوامع به اشکال گوناگون وجود دارد.
در دایره علوم هم نظریه هایی درباره دو قطبی سازی وجود دارد، اما رسانه های جریان اصلی نباید با فراموش کردن مسئولیت اجتماعی، نقش قابله را برای تولد چنین دو گانه های غیرواقعی بازی کنند.
با کلید خوردن مراحل رسمی انتخابات، تنور دوقطبی سازی در رسانه های جریان اصلی که با بودجه عمومی کشور اداره می شوند نیز کمی گرم شده است و البته دستناوردی جز پیمای ناامیدی و ناامنی روانی جامعه در بر ندارد در واقع «ساختار عمودی» یعنی ساختار های سازمان های رسانه ای، در مقابل «ساختارهای افقی» یعنی قدرت های ناشی از شهروندان، صف آرای و نبردی تصنعی برای دسترسی به منابع واقعی را سامان می دهند.کدام عقل جامعه می‌تواند چنین گزاره ای را باور کند که عرصه عمومی سیاست در قاب رسانه های جریان اصلی این گونه تصویر سازی و چارچوب بندی شود که با دو گانه سازی مصنوعی جریانات سیاسی، یک طرف را بدون کوچکترین نقص و بر عکس در کارنامه تاریخ به یک کار مثبت هم وجود نداشته باشد.
بطور مثال اگر احتلاس بد است باز به دو قطبی سازی ندارد.
باید رسانه های جریان اصلی بدون اغراض و پرهیز از کاربست استانداردهای دو گانه، نقش نظارتی خود را ایفا کنند.
نه اینکه درباره یک طرف ماجرا موضوع را با تکرار فراوان با صدای بلند چنان فریاد کنندتا گوش فلک کر شود و ماجرای مشابه طرف دیگر را ماهها به سکوت بگذرانند.
دو قطبی کردن جامعه در رسانه های جریان اصلی موجب تضعیف سرمایه اجتماعی و نوعی روش کانسپکارانه است.
رسانه های عمومی بجای پررنگ کردن نقش های منفعت طلبانه باید نقش های اجتماعی را برجسته کرده و مسئولیت اجتماعی خود را ایفا کنند.
آنان نباید با چشم بستن بر منافع شهروندان در زمین باندهای سیاسی بازی کرده و برای کسب نتایج زودرس، امنیت جامعه را نیز به چالش بکشند.این مطلب را حجت اله عیاسی نوشت.

تنفس در انبوه سموم مرگبار!

اگر خداوند عالم باد و بارانی نفرستد؛ همهٔ ما ساکنان تهران و دیگر شهرهای صنعتی ایران محکوم به مرگ تدریجی یا آنی هستیم!پارسال که خدا رحم کرد و در تمام طول پاییز و زمستان باد سخت یا ملایم به مدام وزید و مایع وارونگی هوا شد، برخی نواها آن را به پای خود نوشتند.
حمیدرضا جلایبی پور هم آن را به حساب عملکرد شوری شهر گذاشت تا برکات حضور در انتخابات را به یادمان آورد!امسال اما هر نهادهی می‌کوشد تا این آلودگی کشنده را به حساب دیگری بگذارد.
گویا ما ایرانیان مقهور قوای طبیعت شده‌ایم.
اگر آنها به دادمان نرسند، کارمان ساخته است!خودخواهی و بی‌مسئولیتی دست به دست داده است تا در پی راه‌حل‌های اساسی نباشیم و اگر هم راه‌حلی پیدا شد، از بیم عوارض جانبی آن، به طاق نسیان‌اش بکوبیم!
لذا، نتیجه همین می‌شود که شده است! تنفس در انبوه سموم مرگباری که امراض را بسیار و عمرها را کوتاه می‌کند!
این مطلب را احمد زیدآبادی نوشت.

جوان ایرانی غریزه‌جنسی ندارد؟!

دکتر محسن بدره، پژوهشگر جامعه شناسی فرهنگی درباره حجاب گفت:اگر حجاب را در بسستر معرفتی و واقعیت اجتماعی بینیم، نمی‌توانیم در طرح مدیریت اجتماعی موفق باشیم.
فرهنگ مجموعه پیچیده ای از دانش، باورها، هنر، قوانین، اخلاقیات است و هرآنچه فرد از جامعه خود فرا می‌گیرد.
در واقع فرهنگ ساخت نمایان جامعه انسانی است.
همه مولفه های فرهنگ در رابطه با فرهنگ و غریزه جنسی است.
ویژگی های زیست شناختی جنسی، مقدم بر ویژگی های فرهنگی است و غریزه های اصلی فرهنگ سازی می‌شوند.

غریزه جنسی قوی ترین غریزه انسانی است، بنابراین بخش قابل توجهی از فرهنگ انسانی را شکل می‌دهد.
از آن جا که اصولا ارتباطات انسانی فارغ از جنسیت وجود ندارند، ارتباطات در زمینه جنسی شکل می‌گیرند و بستری برای حیات انسانی هستند، مسئولیت های اجتماعی که با بلوغ جنسی بر عهده فرد قرار می‌گیرند نیز شهادی بر این موضوع هستند.
اما ما در جامعه غریزه جنسی را به رسمیت نمی‌شناسیم و تعریف ما از فرهنگ دچار اشراقیت است.

این گونه جلوه داده می‌شود که فرد ایرانی غریزه جنسی ندارد، آن را منع می‌کنیم و در نتیجه آن را نمی‌بینیم و در مدیریت آن ناتوان می‌شویم.
در جامعه این تصور را به وجود می‌آورند که جوان ایرانی غریزه جنسی ندارد، بلکه غریزه ازدواج دارد.
در صورتی که فرد باید برای داشتن یک حیات طیبه جنسی آموزش ببیند.

در جامعه‌اا آموزش جنسی داده نمی‌شود، بنابراین فرد به سمت بازار سیاه آن کشیده می‌شود.
در این شرایط کودکان ممکن است در معرض سوءاستفاده جنسی قرار بگیرند که تبعات روانی گسترده ای دارد و ممکن است قربانیان بعدها خودشان به یک متجاوز تبدیل شوند.
مربی و خانواده نیز با بلاهت و سساده لوحی واکنش نشان می‌دهد که اگر در موردش صحبت نکنند، همه چیز به خوبی و خوشی تمام می‌شود.

همچنین در این جامعه تصور می‌شود که امر جنسی بعد از ازدواج موضوعیت خود را از دست می‌دهد و همه سیاست ها برای تشکیل چهارچوبی به نام خانواده است.
اما فرد ممکن است حتی بعد از ازدواج هم نتواند امور جنسی اش را به درستی مدیریت کند.
آیا انحرافات جنسی فقط محدود به افراد مجرد هستند؟ افرادی از قشر مذهبی ما نیز دچار لاقدی جنسی است.

بخشی از حیات طیبه جنسی این است که چه سیاستی را بر بدن خود اعمال می‌کنیم که با کل فرهنگ جنسی- جنسیتی ارتباط دارد اما ما آن را به سیاست اجتماعی تقلیل داده ایم.
روان شناسی اجتماعی بدین معناست که در نقش های خود چه حس ذهنی و جسمی را احساس، و آن را مدیریت می‌کنیم؟
امروزه گفته می‌شود افراد جامعه بدون توجه به این که در خلوت خود چه مشکلات جنسی دارند، با حجاب به خیابان بیایند.
روی انحرافات جنسی زنان بیشتر از مردان تاکید می‌شود، در صورتی که این انحرافات با هم به وجود می‌آیند.

خروج رسمی بریتانیا از اتحادیه اروپا

این کشور در این دوران انتقالی همچنان پیرو مقررات اتحادیه اروپا خواهد بود و سهم بودجه خود را پرداخت خواهد کرد. در این مرحله ۱۱ ماهه بریتانیا جزئیات جدایی منافع خود از ۲۷ کشور دیگر اتحادیه اروپا را با بروکسل به مذاکره خواهد گذاشت.در همین حال هم‌زمان با اجرایی شدن بریگزیت صدها هزار نفر از مردم این کشور جمعه شب را در خیابان‌ها به سر بردند؛ بسیاری "استقلال" از اتحادیه اروپا را جشن گرفتند و بسیاری هم مغموم خاطره ۴۷ ساله با اروپا بودن را گرامی داشتند.مردم بریتانیا بیش از ۳ سال پیش و در جریان یک رفراندوم به خروج از اتحادیه اروپا آری گفته بودند. رفراندومی که به بریگزیت شهرت یافت و بریگزیتی که نیمه شب جمعه به وقت بروکسل تحقق یافت.با وجود شادمانی و کنسرت‌های خیابانی در نزدیکی پارلمان بریتانیا در قلب لندن، در نقاط دیگری چون اسکاتلند که اکثریت ساکنان آن به ماندن در اتحادیه اروپا رای داده بودند، بسیاری با شمع روشن کردن یاد و خاطره نیم قرن همبستگی با اروپا را زنده نگه داشتند. بوریس جانسون، نخست وزیر بریتانیا که نقش محوری در تحقق بریگزیت داشت ساعتی قبل از یازده شب به وقت لندن در اظهاراتی ویدیویی به مردم کشورش وعده داد که بریگزیت با ایجاد اتحاد در بریتانیا (انگلیس، ولز، اسکاتلند و ایرلند شمالی) این کشور را "رو به جلو" پیش براند.او در این ویدئو که در شبکه های اجتماعی منتشر شد گفت: "برای بسیاری از مردم این یک لحظه‌اعجاب انگیز همراه با امید بود، لحظه‌ای که گمان می‌کردند هرگز فرا نخواهد رسید ... و برای بسیاری دیگر این لحظه همراه با غم و اضطراب و حس از دست دادن چیزی بود... و البته برای گروه سوم که احتمالاً بزرگ‌ترین گروه هم بودند، این که بالاخره این پلانتکلیفی و تعلیق به اتمام رسید. من همه این احساسات را درک می‌کنم و کار ما در دولت این است – وظیفه من این است – که حالا کشور را گرد هم آورم تا رو به جلو حرکت کنیم."

جانسون که انتخابات ماه دسامبر به او و کابینه‌اش قدرت و اختیار لازم برای اجرایی کردن بریگزیت را داد در پایان این پیام ویدیویی گفته: "مهم‌ترین چیز دربارهٔ امشب این است که این یک پایان نیست بلکه یک آغاز است... لحظه‌ای برای از نو شدن و تغییر واقعی یک ملت."

هم‌زمان در ایرلند شمالی که بسیاری به علت مشکلات مرزی این کشور با اتحادیه اروپا با بریگزیت مخالفت کرده بودند روز جمعه تجمع‌های اعتراضی در نزدیکی مرز جمهوری ایرلند برپا کردند.نیکولا استورجن، وزیر اول اسکاتلند در توئیتر و دقیقا در لحظه وقوع بریگزیت پرچم اتحادیه اروپا را منتشر کرد و نوشت: "اسکاتلند به عنوان یک کشور مستقل به قلب اروپا باز خواهد گشت." او هشتگی با این مضمون را هم همراه توپیت خود کرد: "چراغ اسکاتلند را روشن نگه دارید".در کاردیف، مرکز ولز، مارک در کفورد، وزیر اول، گفت: "ولز که به ماندن در اتحادیه اروپا رای داده بود، به عنوان یک ملت اروپایی باقی خواهد ماند."

به گزارش بی.بی.سی درست است که روی کاغذ، دیگر بریتانیا عضو اتحادیه اروپا نیست، نمایندگانش در پارلمان اروپا شغل‌شان را از دست داده‌اند و پرچمش را از نهادهای اتحادیه به پایین کشیده‌اند، ولی در عمل خیلی از امور به روال قبلی ادامه پیدا می‌کند؛ حداقل برای ۱۱ ماه دیگر.تا پایان این دوره "گذار" چهار اصل بنیادی اتحادیه اروپا (آزادی جابه‌جایی کالاها، خدمات، سرمایه و نیروی کار) ادامه دارد.این یعنی همچنان شهروندان کشورهای عضو اتحادیه اروپا می‌توانند بدون محدودیت یا نیاز به ویزا به بریتانیا مهاجرت کنند؛ چیزی که گلابه اصلی بسیاری از رأی‌دهندگان به بریگزیت بود.در کنار این، بریتانیا نه تنها باید مقررات و استانداردهای فعلی اتحادیه اروپا را رعایت کند، بلکه موظف است مصوبات اتحادیه اروپا در این مدت را هم (بدون آن که نقشی در تهیه‌شان داشته باشد) به اجرا بگذارد.در تجارت بین‌المللی هم بریتانیا همچنان مثل قبل، تابع اتحادیه اروپاست و نمی‌تواند تعرفه‌ها و سهمیه‌های واردات و صادرات به کشورهای ثالث را خودش تعیین کند.



بریتانیا تا پایان ژوئن (پنج ماه دیگر) وقت دارد تصمیم بگیرد که می‌خواهد این دوره گذار را تمدید کند یا نه. البته دولت بوریس جانسون بندی را در لایحه توافقنامه خروج گنجانده که خودش را از چنین کاری منع کند.در این دوره انتقالی قرار است دو طرف برای رسیدن به یک پیمان تجاری و چارچوب روابط تجاری‌شان در آینده به توافق برسند؛ و تازه از این‌جاست که سختی کار آغاز می‌شود.

واکنش‌های اروپایی به بریگزیت: رئیس کمیسیون اروپا، اوزرولوف درلاین گفته حالا بریتانیا و بروکسل هر دو برای کسب منافع خود خواهند جنگید.او از همه مردم بریتانیا به علت "مشارکت شان با اتحادیه اروپا که منجر به قوی تر شدن این اتحادیه گردید" تشکر کرده و گفته آخرین روز حضور بریتانیا در اتحادیه اروپا یک روز "احساسی" بود.

امانوئل ماکرون، رئیس جمهوری فرانسه گفته"نیمه شب برای نخستین بار در ۷۰ سال گذشته یک کشور اتحادیه اروپا را ترک می‌کند. این یک زنگ خطر تاریخی است که باید در همه کشورها شنیده شود."

شارل میشل، رئیس شورای اروپا هم گفته "هرچه بریتانیا خودش را استانداردهای اتحادیه اروپا بیشتر منفک کند شانس دسترسی او به بازار واحد اروپا کمتر خواهد شد."

هم‌زمان مایک پامپئو، وزیرخارجه آمریکا گفته: "من خوشحالم که بریتانیا و اتحادیه اروپا بر سر بریگزیت به توافق رسیدند و به خواست مردم بریتانیا احترام گذاشتند. ما هم‌زمان با وارد شدن بریتانیا به فصل جدید تاریخ خود به تحکیم روابطمان که بر اساس قدرت، سازندگی و روابط سودمند است ادامه خواهیم داد."
وودی جانسون، سفیر آمریکا در بریتانیا هم گفته که دونالد ترامپ "خیلی وقت بود که حامی بریگزیت بود."



تندروتر، اما عاقل‌تر از خودسرها!



امیر هاشمی مقدم درباره کتاب «کار، کار انگلیسی‌هاست» نوشته جک استراو، وزیر پیشین امور خارجه انگلیس منتقد است: جک استراو، یا آنگونه که جان بولتون برای تمسخر به او لقب داده بود «جک تهرانی»، وزیر پیشین امور خارجه بریتانیا که علاقه‌ای وافر به ایران و موضوعات مرتبط با آن دارد، در سال ۱۳۹۴ (که البته دیگر وزیر نبود) نه تنها دست همسرش، بلکه دست دوستان خانوادگی‌شان را هم می‌گیرد که بیابوی‌های ایران را نشان‌شان بدهد. غافل از اینکه نیروهای همیشه «خودسر»، همین که می‌فهمند او آمده ایران برای گردش، اصفهان و ابرقو و شیراز را کوفت خود و همسفرانش کرده، و عملا مانع از بازدید از

کرونا درکمین ایران

دکتر حسین عرفانی رییس اداره مراقبت مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت با اشاره به جدید بودن کرونا ویروس ۲۰۱۹، گفت: همین موضوع سبب شده تست تشخیص سریع برای شناسایی ویروس وجود نداشته باشد، اما فرایند و تجهیزات آزمایش‌های مولکولی شناسایی بیماری به شکل کامل در کشور فراهم است.پس از آنکه دبیرکل سازمان بهداشت جهانی به صورت رسمی اعلام کرد ویروس جدید۲۰۱۹ باید به عنوان یک رویداد بهداشتی اضطراری با اهمیت بین‌المللی شناخته شود، وزیر بهداشت در نامه‌ای خطاب به معاون اول رئیس جمهور–دکتر اسحاق چنانگیری خواستار محدودیت و تعلیق موقت پروازهای مستقیم به چین شد. همچنین ویزا و سایر مجوزهای مسافرتی که پیشتر برای ورود مسافران چینی به کشور صادر شده نیز به جز موارد اضطراری و توجیه‌دار به حالت تعلیق درآید. گام سوم ما توصیه به مردم بوده تا از سفر به کشور چین خودداری کنند.با هماهنگی هیئت دولت، ایرانیان ساکن در کشور چین بویژه دانشجویان ایرانی که در آنجا تحصیل می‌کنند، ظرف روزهای آینده به کشور باز می‌گردند و پس از مراقبت‌هایی که در مبادی مرزی هنگام ورود این عزیزان صورت می‌گیرد، آنها را با احترام به محلی مناسب انتقال داده تا– به مدت دو هفته قرنطینه باشند؛ در صورتی که پس دو هفته از سلامتی آنها اطمینان حاصل کردیم، می‌توانند نزد خانواده‌هایشان بازگردند.

نه با دین هم خوانی دارد نه با ایرانی بودن

پروانه سلحشوری نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی می‌گوید: این کشور ارث پدری کسی نیست که چنین حرف‌هایی را مطرح کند. این مملکت مال مردم است و حاکمان و قدرتمندان هم برای مردم هستند و در خدمت آنها، باید دید که چطور یک مجری به خودش اجازه می‌دهد که چنین حرف‌هایی را در برنامه زنده تلویزیونی بزند؟!این درست است که این رسانه به کسی پاسخگو نیست ولی مملکت که به مصاحبه این افراد درنیامده است، متأسفانه این افراد در حال نفرت‌پرکنی هستند، من به عنوان یک عضو از جامعه مدنی ایران معتقدم چرخه نفرتی که با خودی و غیرخودی کردن مردم در حال ایجاد است، باید گسسته شود. اما امثال این خانم و کسانی که مثل ایشان فکر می‌کنند به تداوم این چرخه کمک می‌کنند.ما مردم اینقدر قدرت داریم که همه سلاقی را بسا هم بپذیریم و بگوییم که همه متعلق به ایران هستند. همه مردم این مرز و بوم، فارغ از جنسیت و نگاه‌های سیاسی و فارغ از حتی نگاه‌های فرهنگی‌شان عضوی از خانواده بزرگ کشور ایران هستند اما امثال این– دختر جوان که در هیچیک از دشواری‌های جامعه حضور نداشته و گرم و سردر این جامعه را ندیده، می‌خواهند اتحاد کشور را از بین ببرند اما قطعاً در این راه موفق نمی‌شوند. سال‌هاست که مردم این تمدن را حفظ کرده‌اند. این تمدن

بعد از حمله مغول، اعراب و جنگ‌های بسیار که آخرین آن جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بود، حفظ شده و بعد از این هم حفظ خواهد شد. امثال این مجری‌ها و گزارشگرها اصلا نمی‌توانند جامعه ما را به انزوا بکشانند و مسردم را از هم جدا کنند. همانطور که مردم در مراسم تشییع شهید سلیمانی، فارغ از قومیت، جنسیت

در یکی از صفحات کتاب می‌آورد، مایه شرمساری است: «[بعدها] در یکی از پایگاه‌های اینترنتی عکسی رنگی و بزرگ از مردی را دیدم که یک پلاکارت درشت به دست داشت و روی آن خطاب به من و به دو زبان انگلیسی و فارسی شعاری نوشته بود.

متن فارسی این بود: «شهر شهیدان جای مهمان‌نوازی از دشمن انگلیسی نیست» و متن انگلیسی‌ی که به برکت خدمات شایانی که سرویس ترجمه گوگل به ادستان ترجمه جهانیان کرده، به این شکل در آمده بود: «شهید شهر مهمان‌نوازی می‌کند، انگلیسی دشمن نیست». City martyr. catering, English is not the enemy.که نام یک فصل از کتاب استراو نیز همین است؛ یعنی «انگلیسی‌ها دشمن نیستند».

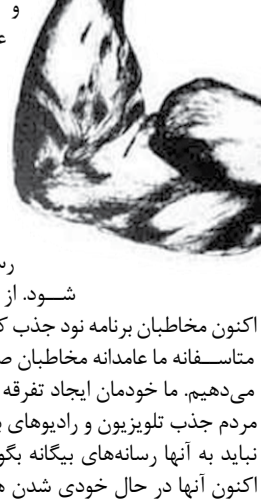
او در جایی می‌نویسد: «من با همه این ماجراها که به سرم آمد، هنوز مشتاقا به رفتن به ایرانم و کاش به من اجازه بدهند». استراو با آنکه کتابی را نوشته که می‌تواند چهره ایران را نزد غربیان کمی بهتر کند (و در واقع پیامد رفتارهای ناپرخردانه نیروهای به ظاهر خودسر را کمی بشوید)، اما چندان امیدی به تغییر رفتار تندروها در برابر او و امثال او نیست. کسانی که خیلی بیش از او در راه شناساندن ایران عمرشان را صرف کردند (از پروفوسور آرتور پوپ گرفته تا ریچارد فرای «ایراندوست»، حتی قبر و جسدشان هم) از حملات کسانی که حتی یک صفحه از کتاب‌های آنان را نخوانده‌اند در امان نیست و خودسرها ازآندند هر کاری خواستند در این زمینه بکنند؛ بنابراین دیگر نوبت به استراو نمی‌رسد.

استراو در بخش از سفرنامه‌اش توضیح می‌دهد ناهارشان را که در هتلی در تهران می‌خورند،



تاکنون با توجه به اطلاعاتی که وزارت امور خارجه در اختیار ما قرار داده است، هیچ ایرانی در کشور چین به کرونا ویروس مبتلا نشده است اما، از آنجایی که ممکن است افراد سالمی که به کشور بازمی‌گردند در دوره نهفتگی بیماری قرار داشته باشند، این افراد را در یک محل مناسب که از امکانات رفاهی شایسته‌ای برخوردار باشد، به مدت دو هفته قرنطینه می‌کنیم.از نظر علائم بالینی، مبتلایان به کرونا ویروس عفونت حاد تنفسی دارند، اما شرط اصلی این بیماری تب بالای ۳۸ درجه است. علاوه بر آن گلودرد، سرفه، آبریزش بینی، بدن درد، سر درد و مشکلات تنفسی سایر علائم مبتلایان به کرونا ویروس است. با اشاره به علائم ذکر شده متوجه می‌شویم که این علائم با سایر عفونت‌های تنفسی تفاوت چندانی ندارد و همین موضوع باعث سختی تشخیص این بیماری از سایر عفونت‌های تنفسی می‌شود. اینکه فرد در ۱۴ روز گذشته از نظر زمانی در چه محلی از نظر مکانی و در کنار چه افرادی از نظر آلودگی در تماس بوده است، برای تشخیص بیماری امری لازم‌الاجرا است. در صورتیکه فردی در بررسی‌های همه‌گیری شناسی نیز علائم ابتلا به بیماری را داشت، وجه سوم بررسی‌های خود که بررسی‌های آزمایشگاهی است را آغاز می‌کنیم تا بتوانیم با قطعیت در مورد فرد مشکوک صحت کنیم.به همین دلیل هنوز برای تشخیص کرونا ویروس ۲۰۱۹ تست تشخیص سریع وجود ندارد و تنها تشخیص‌های

و مباحث سیاسی همه با هم عزازدار بودند و اتحاد خودشان را نشان دادند؛ همانطور وقتی که به آنها دروغ گفته شد، صبر نشان دادند و به صاحبان سیاست فهماندند که نباید دروغ گفت و ملت را نامحرم فرض کرد، همانطور هم خودشان بهتر می‌دانند که چطور اگر را اداره کنند و چگونه با یکدیگر صحبت کنند. تلویزیون باید سیاست‌های خود را تغییر دهد و گرنه روز به روز مخاطبان بیشتری را از دست خواهد داد و به دامنه‌ی تحریبی که سال‌هاست مردم آن را در قبال این رسانه در پیش گرفته‌اند، افزوده خواهد شد. گاهی به گرداننده‌های سیاست‌های صداوسیما شک می‌کنم که آیا آنها افراد ملی هستند؟ آیا آنها کاملا به دین مبین اسلام متصف هستند چون این سیاست‌ها نه با دین همخوانی دارد نه با ایرانی بودن. صداوسیما اساسا رویکرد ضد ملی و تفرقه‌افکنانه دارد. این نوع نگاه حاصل تفکر سیاست‌گذاران آن است که می‌بینیم این رسانه دقیقاً برعکس اکثریت مردم عمل می‌کنند. به عنوان مثال برنامه نود پرمخاطب‌ترین برنامه تلویزیونی بود که سال‌ها روی آنتن می‌رفت؛ یک برنامه کاملا غیرسیاسی که به نقد آنچه در فوتبال می‌گذشت، می‌پرداخت و فردوسی‌پور به عنوان یک سرمایه‌ اجتماعی در آنجا کار می‌کرد اما آن را در سسکوت خودشان حذف کردند که دلیل آن به صورت رسمی باید دنبال شود. در این خود پرمیسه‌هایم که اکنون مخاطبان برنامه نود کدام برنامه شده‌اند؟! متأسفانه ما عامدانه مخاطبان صداوسیما را از دست می‌دهیم. ما خودمان ایجاد تفرقه و فاصله می‌کنیم تا مردم جذب تلویزیون و رادیوهای بیگانه شوند. البته نباید به آنها رسانه‌های بیگانه بگوییم چون متأسفانه اکنون آنها در حال خودی شدن هستند و ما در حال



یک مسئول میان‌رده دولتی را دیدند که وقتی از سختی‌های سفر این‌ها شنید، «همه تلخی مصائب را به خنده شست و با ما همدردی کرد و جوری این حرف را زد انگار این‌ها رخدادهای معمول سفرهای توریستی است و برای هر کس ممکن بود پیش بیاید». استراو با این توضیحش دقیقاً دست بر نقطه درد می‌گذارد.

شوربختانه برخی رفتارهای غیرمنطقی و برخورد‌های امنیتی با کسانی که به ایران سفر می‌کنند، آنچنان سفر کردن به ایران را خطرناک جلوه می‌دهد که دیگر مدیران و حتی دولتی‌ها هم این واقعیت را پذیرفته‌اند. و این مسئله چنان ترسی بر دل علاقه‌مندان سفر به ایران افکنده که سخن گفتن از گردشگری ورودی دیگر بی‌معناست. دقیقاً دپیروز یکی از دوستانم که دکترای مدیریت گردشگری‌اش را از امریکا گرفته و دو سال پیش با سری پرشور برای طرح‌های بلند پروازانه‌اش به ایران آمده بود، پیام داد که بار و بنه سفرش را بسته تا به گوشه‌ای دیگر از دنیا برود؛ چرا که به توسعه گردشگری ایران در این شرایط هیچ امیدوار نیست. اما عده‌ای آزادانه از دیوار هر سفارتی بالا می‌روند، به هر گردشگر ورودی‌ای توهین می‌کنند و برای هر کسی که دل‌شان بخواهد خط و نشان می‌کشند و ذره‌ای هم ندغدغه چهره منفی‌ای که از ایران به نمایش می‌گذارند، ندارند.آنچه پروفوسور پوپ، ریچارد فرای‌ها، جک استراو ها و… را نمک‌گیر می‌کند که با همه اهانت‌ها و سختی‌ها، همچنان از خوبی‌های ایران بنویسند، فرهنگ و تمدن این مرز و بوم و مردمانش است؛ که شوربختانه اینها دارند زیر پوست‌های سنگین از رفتارهای نامتمدنانه برخی‌ها مدفون می‌شوند…



آزمایشگاهی مولکولی انجام می‌شود که امکانات آن نیز در کشور وجود دارد. تاکنون ۶ بیمار مشکوک به کرونا ویروس از چند استان در کشور گزارش شده است که بیمار بلافاصله مورد بررسی قرار گرفته و خوشبختانه متوجه شدیم به کرونا ویروس مبتلا نبوده‌اند.اگر فردی به عفونت‌های تنفسی مبتلا است، بهتر است هنگام بیماری در منزل استراحت کند و از تردد در اماکن عمومی دوری کنند اما اگر مجبور به حضور در اماکن عمومی شدند، از ماسک استفاده کرده و فاصله یک متر خود با دیگران را حفظ کنند؛ دست ندادن، روبوسی نکردن، رعایت آداب تنفسی و شست‌وشوی مکرر دست‌ها به مدت ۳۰ ثانیه نیز می‌تواند در پیشگیری از عفونت‌های تنفسی بویژه کروناویروس مؤثر باشد.



غیرخودی شدن. من گرچه به شخصه با این واژه‌های خودی و غیرخودی مخالف هستم ولی آنقدر این دست واژگان را به کار برده‌اند که من هم ناچار هستم از آنها برای بیان منظورم بهره برم.

صداوسیما اساسا ارزش و اعتباری ندارد که بخواهد بخشی ایجاد کند. اگر جایی اعتباری موجود باشد و بعد این اعتبار از دست برود، این تاثیرگذاری صق می‌کند اما این رسانه اعتبار خود را به صورت کامل از دست داده است. به عنوان مثال دولت اعتبار داشت ولی با بیسان دروغ و نگفتن حقیقت به مردم، مقداری از اعتباری که به دولت و نظام بود، سست شد. اما تلویزیون ما سال‌هاست که هیچ اعتباری ندارد که حالا مردم به خاطرش مردم بیرون بیایند یا نیندند.صداوسیما هرگز رسانه ملی نیست. خیلی از همکاران ما هر ساله به شدت فعالیت می‌کنند تا علاوه بر بودجه سالیانه که این رسانه می‌گیرد، از صندوق توسعه نیز برای آنها ارز بگیرند. به این ترتیب هر ساله ۱۵۰ میلیون یورو از این صندوق نیز به آنها داده می‌شود. این مبلغ فارغ از درآمد از آورده‌ی تبلیغاتی است که اتفاقا مدل سلامت مردم را به هم می‌ریزد. ولی مشکل این صداوسیما به مجلس برمی‌گردد که باید آن را حل کند که متأسفانه مجلس هم نمی‌تواند این مشکل را حل کند چراکه ما در قانون اساسی به صداوسیما انحصار داده‌ایم.

صداوسیمای ما منحصرا حاکمیتی است و چون رقیبی برای آن در داخل کشور وجود ندارد، این دوستان میدان‌دار هستند و یکه‌تازی می‌کنند. به نوعی نه به مجلس، نه به مردم و نه به هیچکس دیگری پاسخگو نیستند. به نظر من حتی به رهبری هم پاسخگو نیستند؛ چون در آخرین سخنرانی که رهبری انجام دادند، از لفظ باید برای حفظ اتحاد مردم استفاده کردند. اتحادی که بعد از شهادت سردار سلیمانی به وجود آمد و حالا صداوسیما به وضوح در حال شکستن این اتحاد است. در نتیجه مدام دروغ می‌گویند. امروز نماینده مجلس به بهانه‌ی اینکه به نظام و ولی‌فقیه التزام ندارد، رد صلاحیت می‌شود اما آیا واقعا مسئولان صداوسیما به نظام التزام دارند که این سیاست‌گذاری‌ها را انجام می‌دهند؟! مملکت ما برای بقای خود بیشترین نیاز را به اتحاد درونی دارد اما اینها در حال از بین بردن ریشه اتحاد هستند.

ماعنه‌ها خوش اخلاق‌ها و خوش دوق‌ها در حوزه اجتماعی و اقتصادی

توفیق

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

اهالی روستایی که سال‌هاست فراموش شده‌اند

اینجا مردم سالهاست که با “حسرت” و “آرزو” روزگار می‌گذرانند و گویی سالهاست که فراموش شده‌اند. زندگی و خانه‌های “بدوی” اینجا معنی می‌شود؛ سرپناهی با برگ نخل، دیوارهایی از سنگ و زیر اندازی از حمصیر. کپر نشینانی که می‌شود از نگاه شان درد و رنج را با تمام وجود حس کرد. اینجا روستای “کوش کلجک” کرمان است. جایی میان فقر و محرومیت و نداری ، مثل بشاگرد، مثل بشرویه و تایپاد… شاید هرگز فکرتش را هم نمی‌کردم در پیچ و خم جاده‌های عنبرآباد کرمان روستایی باشد که اهالی‌اش در فقر مطلق و بدون امکانات رفاهی، آموزشی و بهداشتی زندگی می‌کنند. مردمی که در خانه‌های سنگی با هیزم کپرهای‌شان را گرم می‌کنند و سقف شان برگ نخل و پوشش پلاستیک و زیراندازشان حمصیری ساده باشد. صحبت از روستای “کوش کلجک” در منطقه عنبر آباد کرمان است. جایی که فقر و نداری همرا و همزاد همیشگی مردم شده و شاید تنها دیده شدن و بهبود شرایط ابتدایی زندگی است که آنها را به آینده و مبارزه با تمام نداری ها و کمبودها امیدوار نگه داشته است.

یکی از اهالی روستای کوش کلجک: مسئولان اگر راست می‌گویند به مناطق فراموش شده‌ای مثل روستای ما سفر می‌کنند و محرومیت های ما را ببینند. جایی که مردمش در فقر مطلق زندگی می‌کنند و ما فکر می‌کنیم مسئولان ما را فراموش کرده‌اند

پرویز یایمرد یکی از اهالی روستای کوش کلجک درباره فقر و محرومیت مردم روستای‌شان می‌گوید: هر چه از محرومیت‌های روستای‌مان بگویم باز هم کم گفته‌ام! اینجا همه ما کپر-نشینیم که در هر کپر حدود ۱۰ نفر زندگی می‌کنند. نه راه ارتباطی مناسبی داریم نه آب آشامیدنی و گویا همه مسا را به کلی فراموش کرده‌اند.سیل اخیرا شرایط را برای‌مان بدتر کرد و کپرهای‌مان با سیل ویران شد و حالا همان سرپناه را هم نداریم. سقف تمام کپر‌ها بعد از سیل با هر بارندگی چکه می‌کند و مردم مجبورند پلاستیک روی سقف خانه های شان بکشند چرا که مدام با بارندگی پلاستیک های روی سقف جابه جا می شوند. چرا مسئولان به اینجا سفر نمی‌کنند و مشکلات‌مان را از نزدیک نمی‌بینند؟ آنها بیشتر به مراکز دهستان‌ها سفر می‌کنند که مشکلات حادی ندارند و با گرفتن چند عکس از دهستان‌ها هر سرتوه موضوع را هم می‌آورند که رفقیم و بازدید کردیم و فلان دهستان مشکلی ندارد.مسئولان اگر واقعا به فکر مردم هستند به مناطق فراموش شده ای مثل روستای ما سفر کنند و محرومیت های ما را ببینند.جایی



علی خدایی نماینده کارگران در جلسات مزدی به تشریح حاشیه‌های مذاکرات مزدی و ترفندهای اخیر کارفرمایان می‌پردازد: ترفندهایی که در صداو سیما درباره آن پروپاگاندا می‌شود.مزد امسال، حاشیه بسیار دارد؛ از تلاش‌ها برای به کرسی نشاندن دستمزد منطقه‌ای و صنفی گرفته تا پروپاگاندا برای ترساندن مخاطبان از اثرات تعدیلی افزایش دستمزد. علی خدایی (نماینده کارگران در شورای عالی کار) در ارتباط با این حاشیه‌ها می‌گوید:امسال در شرایطی که در استقبال تعیین دستمزد می‌رویم که شاهد سقوط آزاد قدرت خرید مزد و حقوق بگیران دولتی و خصوصی در

مراحل فهم دینی درکودکان

فهم کودکان از مفاهیم مذهبی بستگی به تحول انسان دارد و آنان به دلیل توانایی‌ها و ظرفیت‌های کمی و کیفی با بزرگسالان متفاوت هستند، هرگونه طراحی و برنامه‌ریزی آموزشی و مذهبی با در نظر گرفتن آن‌ ها، کارآیی و قابلیت اجرا پیدا می‌کند، به همین سبب ضرورت آموزش دستنیایی کودکان به این مفاهیم بررسی شود.
پیاژه در پژوهش «چگونگی تفکر کودکان دربارهٔ دنیای طبیعت» به چند نکته دربارهٔ دین کودکان اشاره کرد که مبنای تعیین مراحل و تجویزهایی برای آموزش دین شده است.
به عقیدهٔ پیاژه، کودک در سنین چهار تا هفت‌سالگی به‌طورطبیعی علل وجودی اشیا را در خدا یا بشر به‌عنوان یک موجود روحانی و پرقدرت جست‌وجو می‌کند. کودک در این سن نمی‌تواند در پاسخ به خواسته‌ها و پرسش‌هایی که هنگام رویارویی با طبیعت برای او پیش می‌آید، استدلال کند و از خدا یا بشر به‌عنوان موجودی قدرتمند و روحانی به همین دلیل سود جوید.اگر کودک بتواند فرد یا چیز دیگری را به‌جای خدا یا بشر با قدرت روحانی قرار دهد، از خدا غافل می‌شود.
هارمز به دو منبع در کودک برای درک خدا اشاره می‌کند. پرسشگری‌های کودک دربارهٔ خدا، از منبع عقلانی تجربهٔ دینی سرچشمه می‌گیرد و تصویرهای خیال‌پردازانه، ناشی از منبع احساسی و غیرعقلانی تجربهٔ دینی است. بخش عقلانی تجربهٔ دینی

کتابسوزی درقرن ۲۱

اقدام شرم آور یک روحانی مروج طب سنتی به اسم طب دینی، با آتش زدن یک کتاب علمی با نام طب هاریسون – بر اساس فیلمی که انتشار یافته کار زشتی است که هیچ دانش دوستی، در هیچ سطحی، آن را نمی‌پذیرد. متأسفانه این شخص، سالهاست با استفاده از باورهای عامیانه در میان مردم، تلاش در ترویج یافته‌های خود به اسسم طب دینی دارد و برای تقدیس آنها، از روایاتی که بارها مدحثان آن‌ها را نقد کرده‌اند، استفاده می‌کند.این رفتار وی، در حوزه قم، مورد تأیید هیچ کس، جز شماری از هواداران ساده لوح‌او که مانند آن‌ها همه جای دنیا هستند، نیست.روشن است که طب سنتی، به عنوان یک شاخه علمی، در مراکز دانشگاهی می‌تواند مطرح و توصیه‌های آن پس از بررسی‌های علمی، و تأیید مراکز رسمی، مورد استفاده قرار گیرد، اما نامبرده در نظر تحصیلات علمی و نه

کسه مردم‌اش در فقر مطلق زندگی می‌کنند و ما فکر می‌کنیم مسئولان ما را فراموش کرده‌اند.سال گذشته یک معلم زن به روستای‌مان فرستادند که نتوانست به دلیل نبود پل از رودخانه و راه ارتباطی وارد رفت و آمد کند و ۴۰ روز دانش آموزان ما تعطیل بودند.

بیماران سرطانی به دلیل ناشتن هزینه درمان و کمبود دارو مدت‌ها با بیماری‌شان مبارزه می‌کنند و در نهایت مظلومیت جان می‌یازند چرا که هیچ سازمان و نهادی از آنها حمایت نمی‌کند و زنان باردار بسیاری تاکنون به دلیل عدم دسترسی به مراکز درمانی در حین زایمان جان باخته‌اند.هنوز فراموش نکردم که خواهرم در بیمارستان جبرفت بدون اینکه بی‌هوشش کنند جراحی شد و برادرزاده ام در حین به دنیا آمدن به دلیل بی‌توجهی کادر پزشکی الان که ۷ سال دارد فلج است. هرچه قدر پیگیر روند قانونی این موارد پیش آمده شدیم، راه به جایی نبردیم چرا که اینجا مظلوم حقی ندارد و درد ما یکی دوتا نیست.

هر چه ما تاکنون از ادارات مراکز شهرستان درخواست نفت برای گرم کردن کپرهای‌مان داده‌ایم نتیجه‌ای نداشتسته و مجبور شدیم با استفاده از آتش زدن هیزوم داخل حلبی خانه‌های مان را گرم کنیم.روستای ما آنقدر فقیر و فراموش شده است که شاید با سرچ در گوگل هم کسی نتواند نام و نشانی از ما پیدا کند. روستایی که فاقد ابتدایی ترین امکانات رفاهی، بهداشتی و آموزشی است.

عزرا ییتاب عضو شورای روستای کوش کلجک در باره مشکلات این روستا می‌گوید: پیش از چهل سال پیش اهالی کوش کلجک کپر-نشین بودند و تا- به امروز هیچ



تغییری در روند بهبود شرایط زندگی شان نشده و هنوز مانند انسان های بدوی زندگی می‌کنند. اینجا بن بستی است و به جایی راه ندارد و هیچ خودرویی از اینجا تردد نمی‌کند.از این روستا تا مرکز شهرستان که عنبرآباد است ۱۱۰ کیلومتر فاصله است که ۱۳ کیلومتر این جاده کوهستانی و صعب العبور است و برای رسیدن به روستا باید از مسیر ۴رودخانه عبور کرد که حتی پل ارتباطی برای گذشتن از آنها وجود ندارد.

هرچه ما تاکنون از ادارات مراکز شهرستان درخواست نفت برای گرم کردن کپرهای‌مان داده ایم نتیجه‌ای نداشتته است و ما با استفاده از آتش زدن هیزوم داخل حلبی کپرهایمان را گرم می‌کنیم.در سیل اخیر زن بادادر و تعدادی کودک و بیمار را می‌خواستیم به مراکز درمانی شهری برسانیم که به دلیل شدت آب ساعت‌ها در کنار رودخانه ماندیم و نتوانستیم از آب عبور کنیم و مجبور شدیم دوباره به روستا بازگردیم. در نهایت تعدادی از مردهای روستا زنجیر وار داخل رودخانه صف کشیدند که یکی از آنها توانست با گرفتن از آنها به هزار زحمت از مسیر رودخانه عبور کند و برای تهیه دارو به شهر برود.

با گذشت این همه سال هنوز پل رودخانه باب عیسی احداث نشده و مردم برای تردد و کارهای روزانه شان با هزار مشکل روبه رو هستند.علیرغم تمام پیگیری هایی که در راه‌های گذشته برای بهتر شدن شرایط زندگی روستائیان انجام داده ولی متأسفانه راه به جایی نبردم چرا که هیچ ارگان دولتی و مسئولی قدمی برای شرایط بحرانی مردم این روستا برنداشت. چند سال پیش رهبر سفری به شهرستان

به مرگ گرفته که به تب راضی شویم

یکی از چرالش‌ترین سالها از نظر اقتصادی هستیم و دولت و سازمان برنامه و بودجه، شوربخانه رقم غیرمنطقی و غیرعلمی ۱۵درصد را برای افزایش دستمزد در نظر گرفته و در بیش از یک ماه اخیر، این رقم ناکافی، تبدیل به سوزه رسانه‌ها گردیده است.دولت باروشی تکراری طی چندساله اخیر با طـرح این اعداد با همکاری رسانه‌ها و همراهی عده‌ای از به ظاهر نمایندگان کارگری و مردم، سعی در پایین آوردن توقعات و راضی کردن به عدد دلخواه خود است.ضرب‌المثل بسیار قدیمی را فراموش نکنیم: به مرگ بگیریم که به تب راضی شوئد.

عده‌ای از کارفرمایان با همکاری مثلاً خبیره‌ای از اصفهان تمام تلاش خود را برای طرح موضوع حاشیه‌ای تحت عنوان مزاد منطقه‌ای و اشتغال روستائیان به کار بردند و برخی کانون‌ها و اتاق‌های کارفرمایی نیز این‌بار پشت این خبیره پنهان شده‌اند و فضای رسانه‌ای کشور را از موضوع اصلی جزویش‌ترین سالها از نظر اقتصادی هستیم و دولت و سازمان برنامه و بودجه، شوربخانه رقم غیرمنطقی و غیرعلمی ۱۵درصد را برای افزایش دستمزد در نظر گرفته و در بیش از یک ماه اخیر، این رقم ناکافی، تبدیل به سوزه رسانه‌ها گردیده است.دولت باروشی تکراری طی چندساله اخیر با طـرح این اعداد با همکاری رسانه‌ها و همراهی عده‌ای از به ظاهر نمایندگان کارگری و مردم، سعی در پایین آوردن توقعات و راضی کردن به عدد دلخواه خود است.ضرب‌المثل بسیار قدیمی را فراموش نکنیم: به مرگ بگیریم که به تب راضی شوئد.

حوزوی، در مقالی نیست که بخواهد چنین ادعایی را بکند. طبعاً در قم با مشهد، هیچ نوع شاخه درسی وجود ندارد که او به استناد تحصیل در آن، چنین ادعایی را داشته باشد.او اما اقدام به کتابسوزی، این عمل شمشز کننده، باید گفت، این اقدام، همیشه کار افراد جاهل و افراطی بوده است، کسانی که هیچ گاه، در هیچ مدلی، چه از نوع کسروی با آتش زدن آثار ادبی، و این شخص، با آتش زدن یک کتاب علمی، در پیشگاه ملت فرهیخته ایران، جایی نداشته و ندارند. خوشحالم که این شخص، پس از یک دوره تلاش در قم، از این مرکز دینی طرد شده و به دلیل اقدامات ناصوابش، در محاکم مربوط، محکوم هم شده است. مسلماً، وظیفه حاکمیت، دفاع از حریم علم و دانش و مبارزه با جاهلانی است که با اقدامات ناصوب خود، زمینه آسیب زدن به دین و سلامت مردم را دنبال می‌کنند. در باره دادن لقب آیت الله به ایشاندر قم، مع الاسف زمینه‌ای وجود دارد که کسانی از سوی خود یا نزدیکانشان، لقب آیت الله را به



توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

توفیق‌الکبریادک

جبرفت داشتند که برای حل مشکل آب روستا نامه ای برای ایشان ارسال کردم و در جواب نامه شرکت و آب و فاضلاب منطقه آمدند و یک چاه احداث و چند حوضچه جهت آب شـرب مردم روستا راه اندازی کردند و اگر برق قطع شود اهالی روستا و احشام از تشنگی تلف می شوند.

درآمد مردم روستا قبلاً باغداری بود که به دلیل خشکسالی باغ‌ها از بین رفت و اهالی روستا خیلی تلاش کردند که دوباره باغ‌ها احیا شود ولی از پس هزینه‌ها از جمله خرید کود بر نمی‌آیند. الان تنها درآمد اهالی روستا یارانه ماهیانه است که دولت پرداخت می‌کند.اهالی مظلوم کوش کلجک از نظر بهداشتی هم شرایط مناسبی ندارند و حتی حمام ندارند. برای استحمام داخل کپر بر روی آتش آب گرم می‌کنند و با همان آب کم مجبورند حمام کنند. وضعیت بهداشتی اینجا هم صفر است و حتی مرکز بهداشت نداریم و نزدیک ترین مرکز بهداشت با روستای ما ۶ کیلومتر فاصله دارد. در حالی که فرماندار عنبرآباد در این باره می‌گوید:

مردم روستای کوش کلجک مشکلی ندارند و از تمامی خدمات رفاهی برخوردارند و برای کمبود نفت در روستا روز گذشته ۲ تانکر نفت و امروز نیز ۲ تانکر ارسال کرده ایم دانش آموزان روستا برای تحصیل هم با مشکلات زیادی روبرو هستند و تسوده جاده و پل باعث شدن آنها برای تحصیل با دشواری روبرو باشند. این مسئله در فصل بازندگی و سرما تشدید می‌شود تا جایی که دانش آموزان در داخل چادر شرایط نامناسبی برای درس خواندن دارند. احداث پل ارتباطی روستای کوش کلجک به اعتبار بسیار زیادی نیازمند است و ۳ سالی می‌شود که این پل در حال بازسازی است و امسال نیز اعتباری برای ادامه روند بازسازی آن در نظر گرفته ایم.

جمعیت این روستا ۳الی ۴ خانوار هستند و دارای مدارس عشایرند و هیچ مشکلی ندارند و برای همه این خانوارها خانه بهداشت ساخته شده و یا در حال احداث است.

مطالبه عمومی اهالی روستای کوش کلجک که به زندگی در کپرهای سرد و نمور خو گرفته‌اند، بر خورداری از حداقل امکانات زندگی، بهداشت، راه، آموزش و… است که می‌طلبید و مسئولان و برنامه ریزان استان کرمان با نگاهی جدی و از سسر دردخواهی به مشکلات مردم منطقه توجه کنند و با عزم و اراده‌ای از روی خواستن برای حل مشکلات مردم قدمی مؤثر و مستمر بردارند تا شاید زندگی عادی در این روستاهای کپر-نشین هم روزی جریان بگیرد و مردم از امکانات و شرایطی بهتری که حششان است بهره مند شوند. این مطلب را مریم بازنود در اینلنا نوشت.



بنگاه‌ها و اخراج کارگران آغاز کرده‌اند: این درحالیست که از بین رفتن قدرت خرید حقوق بگیران یکی از مهم‌ترین عوامل بروز رکود در وضعیت تحریمی فعلی کشور است. در شرایطی که امکان صادرات نداریم سوال اینجاست که این تولیداتی که از آن دم می‌زنید را چه کسی قرار است بخرد؟!واحد‌های تولیدی نه به خاطر افزایش دستمزد بلکه به خاطر سیاست‌ها و قوانین غلط و مدیریت ناکارآمد تعطیل می‌شوند که متأسفانه سببین این شرایط بیش از همه داعیه حمایت از تولید دارند.آقایان نماینده حمایت از تولید را با اصلاح قوانین بانکی، گمرکی، مالیاتی و مبارزه با فساد انجام دهید!در حبیب کارگسران و از قوانین کار و تامین اجتماعی چیزی برای کسب رأی و محبوبیت باقی نمانده است!آیا به پیامدهای اجتماعی گسترش فقر ناشی از عدم افزایش تشکیلات اقتصادی کشور حس است، یا به بحران‌های خوب‌اندیشیده‌اید؟!



دلالت می‌کند که اولاً رشد دینی دارای مرحله‌ای است؛ ثانیاً فهم کودکان از دین، از یک مرحلهٔ مبهم به مرحلهٔ عینی و انتزاعی گسترش می‌یابد و با هر مرحله، فهم دین پیچیده‌تر می‌شود. بر اساس این رویکرد دورهٔ نوجوانی دوره‌ای است که کودک به فهم معنادر از دین دست می‌یابد؛ ثالثاً رشد دینی به مراحل عمومی رشدشناختی تطابق دارد.

خود اختصاص دهند. مسلم است که دادن چنین لقبی، هیچ رسمیتی نداشته و نشان دهنده هیچ مقام و منصب علمی و غیر علمی نیست.یکی از افتخارات ایران در چند دهه اخیر، در مراکز علمی و پزشکی، توسعه پزشکی مدرن است، امری که سبب شده ست تا ایران در منطقه خاورمیانه، یک قطب مهم پزشکی باشد. این راهی است که دولت‌های پس از انقلاب، بشدت از آن حمایت کرده و ایران اسلامی از این زاویه، کشوری سرفراز است.بنابر این، نباید این قبیل رفتارهای زشت و شرم آور را در مقابل آن همه تلاش و گسترش علم پزشکی نوین قرار داد، هرچند، نظراتی مربوطه، در تمام سطوح، می‌یابد با اقدامات دقیق نظارتی خود، شبهانه اعتنای به این قبیل رفتارها نداشت. اینجاست که در میان بیرشد، کاری که جز با توسعه مراکز علمی و ترویج دانش مردم، امکان نخواهد داشت.

ماهنامه اقتصادی و اجتماعی— سال پنجم — شماره ۲۸ و ۲۹— دی و بهمن ماه ۱۳۹۸

چوب حراج اعتبار رسانه ملی

لاپوشانی اخبار رویدادها و ناصادق بودن با مردم در فرایند خبر رسانی موجب بی‌اعتباری رسانه ملی و کوچ گسترده مردم به رسانه‌های بیگانه شده است.این ادعا آن‌چنان اظهر من الشمس است که حتی برای اثبات آن نیز به آرایه شواهد و مدارک نیست. در نظر سنجی ایسپا (موسسه افکارسنجی جهاد دانشگاهی) بعد از حوادث بنزینی آبان ۹۸ تنها چهل درصد مردم ایران بیان کرده‌اند اخبار خود را از رسانه ملی دریافت می‌کنند.رسانه ملی از نادر سازمان‌هایی است که در ساختار تشکیلاتی کشور متولی اصلی ندارد و در واقع به هیچ جا پاسخگو نیست. نهاد رهبری تأکید کرده فقط رئیس این سازمان را منصوب می‌کند و مسئول عملکرد آن نیست. در واقع تجهیزات زیاد و اختیارات گسترده‌ای با بودجه عمومی در یک تشکیلات عظیم رسانه‌ای متمرکز شده و امکان نظارت قانونی بر آن برای مردم وجود ندارد.

در تاریخ چهارشنبه ۱۸ دی ۹۸ یک فروند هواپیمای مسافری اوکراینی هدف موشک قرار می‌گیرد و سقوط کرده و ۱۷۶ سرنشین آن جان می‌یازند. این ابررخداد بین‌المللی را در فقدان رسانه‌های مستقل در کشور، ستاد مشترک نیروهای مسلح خبر رسانی نکرده و بعد از گذشت ۴ روز در اول صبح شبیه علت سقوط را با افکار عمومی در میان گذاشته است. این موضوع آنقدر با اهمیت بوده و در عین حال در پیوند با آبرو و اعتبار ایرانیان بوده که باید در همان لحظه اول سقوط، اطلاع‌رسانی می‌شده و این رویه اطلاع‌رسانی ضربه‌ای جبران ناپذیر بر هویت ایرانیان، اعتبار بین‌المللی کشور و بویژه رسانه‌های اصلی آن وارد کرده است.جالب این‌که فرمانده هوافضای سپاه می‌گوید در این چهار روز رسانه‌ها بر اساس اطلاعات خودشان عمل کرده‌اند. رسانه حلقه واسط است باید به نمایندگی از افکار عمومی به سولات شهروندان و نیازهای اطلاعاتی آن پاسخ دهد. مگر رسانه ماشین خبرسازی است که خودش در اتاق‌های درسته برای وقایع سناریو بنویسد و به اطلاع عمومی برساند.باید از همان لحظه اول سقوط هواپیما، رسانه ملی با حضور در میدان رخداد و از طریق خبرنگاران و استفاده از اطلاعات شاهدان عینی و کارشناسان مستقل همه طرف‌های ماجرا را با پرشگری زیر رگبار سولات قرار می‌داد. یعنی همین کاری که رسانه‌های بیگانه از چند هزار کیلومتر دورتر از ایران از پس آن برآمدند و اعتبار خوبی برای خود کسب کرده و مخاطبان زیادی نیز جذب کردند.استقلال رسانه رنگ باخته و رسانه در مقابل پاره‌ای از ساختارهای حقوقی کشور لال شده و قادر به ایفای وظایف حرفه‌ای نیست. جناح بازی و سیاسی کاری موجب به حراج گذاشتن سرمایه اجتماعی شده و خطری بزرگ جامعه را تهدید می‌کند و آن این‌که مردم باید به مصداق آش نخورده و دهن سوخته هم باید هزینه‌های بالای صداوسیما را از جیب خود تأمین کنند و هم برای تأمین اطلاعات مورد نیاز خود و بویژه در مواقع بحرانی به رسانه‌های بیگانه متوسل شوند. این رویه رنگ خطر را برای منافع ملی ایرانیان و حفظ امنیت ملی کشور به صدا در آورده است. دکتر حجت‌اله عباسی در تحلیل اجتماعی نوشت.

پرای نفله کردن سرمایه‌های کارگران دورخیز کرده‌اند

سهیلاجلودارزاده (نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی و عضو فراکسیون کارگری مجلس) به بیان دیدگاه‌های خود در ارتباط با مطالبات و خواسته‌های کارگران می‌پردازد. جلودارزاده معتقد است؛ مطالبه‌گری کارگران در عرصه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی می‌تواند نتایج مثبت عینی به وجود بیاورد؛ این در حالیست که به گفته‌ی او، کارگران امروز از بسیاری از حقوق حقه‌ی خود محروم مانده‌اند و ناخو و نمیر هم دیگر ندارند.علی‌مکرمدر مجلس در قیال کارگران در دهه‌های گذشته به خصوص از زمان تصویب قانون کار تا امروز چگونه بوده است؛ می‌دانیم که فاصله دستمزد با مغلش به ۷۰درصد رسیده،امتنقظ است در سال‌های گذشته برپاد رفته؛ انواع قراردادهای شغلی مثل قراردادهای موقت بیمه‌نکاری و روجی‌رواج پیدا کرده و در کل کارگران، در بدترین شرایط ممکن قرار دارند؛ با این اوصاف، سوال اینجاست که مجالس گذشته و مجلس فعلی تا چه حد در برآورده نمودن مطالبات کارگران موفق بوده‌اند؟!

نتوانسته‌ایم فشارها را خوب دفع کنیم؛ مسائل اقتصادی در کشور ما تا حد زیادی دستخوش مسائل سیاسی است و از آنجا که دولت‌ها در همه‌ی دوره‌ها، خودشان کارفرما و ذینفع بوده‌اند همیشه این مشکلات کارگری را داشته‌ایم. در دهه‌ی اخیر جامعه کارگری با توجه به توسعه و رشد فساد در جامعه، لطمات جبران‌ناپذیری دیده است؛ استهلاک منابع مالی صندوق‌های بیمه‌ای کارگری که به دلیل سوءمدیریت در تأمین اجتماعی و در شرکت‌های مربوط به شستا و در بانک رفاه کارگری به وجود آمده، موجب شده که صندوق تأمین اجتماعی دچار مشکلات جدی شود. عدم پرداخت بدهی دولت‌ها به صندوق و سوءاستفاده‌هایی که شده و همچنین تحمیل نیروهایی به صندوق تأمین اجتماعی که شاید جزو نیروی کار مولد کشور نبودند ولی در یک دوره‌ای حدود ۱.۵ میلیون نفر به صندوق تحمیل شدند که با یک حق بیمه ناچیز آمدند و بازنشسته شدند و از امکانات این صندوق استفاده کردند، اینها همه به جامعه کارگری فشار آورده و متأسفانه نتوانسته‌ایم این فشارها را خوب دفع کنیم چراکه در یک دوره‌هایی فقط یک نماینده در مجلس داشتیم، در یک دوره‌هایی دولت به قانون و مجلس توجه نمی‌کرده و حتی سه‌جانبه‌گرایی شکلی و صوری ایجاد می‌کردند که نماینده کارگر نتواند صحبت کند یا نماینده‌های دست‌نشانده می‌گذاشتند. اما نکات مثبت هم بوده؛ مثلاً در این دوره اخیر، هسان‌سازی بازنشستگان را مجلس تصویب کرده و این الزام، هم در برنامه ششم و هم در بودجه‌های سالانه آمده اما متأسفانه هنوز اجرائی نشده است.

توقعات این است که داد کارگران را بستانند؛ شما می‌دانید که چند بار دورخیز کردند برای گرفتن سازمان تأمین اجتماعی و اینکه ببردن آن در وزارت بهداشت اقدام کنند. چرا حالا این کار را می‌خواستند بکنند، چون سازمان تأمین اجتماعی بیشترین گردش مالی نقدینگی را در کشور دارد چون همه کارگران شغال هر ماه یک‌سوم حقوق خود را به این صندوق می‌ریزند و لاجرم، درآمدزاترین تشکیلات اقتصادی کشور هست. اگر همین فعالیت‌ها نبود، هیچ چیز از جمله تأمین اجتماعی باقی نمانده بود؛ همه‌جا بسیار زیاد بوده است و بسیاری از این همه‌ها با همکاری و تلاش خود نمایندگان کارگران تا حدود زیادی دفع شده است.از سوی دیگر دولت حاضر نیست بدهی سازمان به مراکز درمانی و مجموعه‌های علوم پزشکی را با بخشی از بدهی خود به سازمان تهاتر کند؛ یعنی ۱۳ هزار مطالبه‌ی خود را می‌خواهد بگیرد اما ۲۵۰ هزار بدهی خود را به سازمان نمی‌دهد. در این شرایط، چراغ خطر برای سازمان روشن شده است؛ با این رویه‌ای که در پیش گرفته شده، آینده تأمین اجتماعی را چطور می‌بینید؟!

بحران تأمین اجتماعی جدی‌ست: الان تأمین اجتماعی برای اینکه بتواند مستمری‌ها را بپردازد ماهانه از بانک قرض می‌گیرد، یعنی از حالت سر به سری گذشته است.باید برای این شرایط فکر اساسی شود، بدهی‌ها باید پرداخت شود؛ متأسفانه می‌بینیم نه تنها بدهی‌ها را نمی‌پردازند، بلکه قصد دارند از حساب تأمین اجتماعی برداشت هم بکنند. آخرین همه‌ی این بود که قصد داشتند بانک رفاه کارگران را برای فروش در بورس بنگارند و اگر این اتفاق می‌افتاد، بخش عظیمی از سرمایه کارگران نفله می‌شد و دیگر آن اکثریت را کارگران در بانک نداشتند و نمی‌توانستند حتی برای رفع نیازهای سازمانی از منابع این بانک استفاده کنند.به بحث دستمزد بپردازیم؛ الان محاسبات مستقل نشان می‌دهد که کمینه هزینه‌های خانوار، ۸ میلیون تومان است؛ خط فقر مطلق، ۵ میلیون تومان است و فاصله‌ی حداقل ۷۰درصدی بین حداقل مزد و معاش است؛

یک کارگر باید خیلی بیش از اینها بگیرد؛ حداقل حقوق یعنی سسبد معیشت بخور و نمیر اما همین را هم به کارگران نمی‌دهند. یک کارگر باید خیلی بیش از اینها بگیرد. کارگر باید با متکدی از زمین تا آسمان فاصله داشته باشد. کارگر است که کشور را می‌سازد و جلوی می‌برد؛ کارگر نباید محتاج باشد. بعضی وقت‌ها که می‌بینم که کارگران ما در شرایط خاص، واقعا نیازمند شده‌اند و برای کمک گرفتن می‌آیند، ما بیشتر از آنها می‌کشیم چون نظامی که کارگرش، نیروی کار اقتصادی‌اش، به این روز بفتاده، مسلماً آن کشور در حال اضمحلال و نابودی است. در نتیجه باید یک کارگر را داد؛ ما که اینجاست مسلمان داریم، باید به حق کارگر کامل توجه کنیم و نگذاریم دستمزد کارگران به این روزگار بیفتد. اگر بمانی از لیتری سه هزار تومان کردیم، باید بخش عظیمی از آن را صرف کسانی کنیم که دارند کار می‌کنند، ارزش افزوده تولید می‌کنند و مالیات می‌پردازند تا بتوانند نان بخور و نمیر داشته باشند اما متأسفانه ما نه یک کشور سوسیالیستی هستیم که کارگر را و بقای کارگر را اهمیت بدهیم و نه یک کشور کاپیتالیستی که اصالت را به سرمایه‌دار بدهیم. اینجا معلوم نیست دولت طرف است و چرا به وظیفه خودش که نظارت بر اجرائی عدالت است، عمل نمی‌



ماهنامه اجتماعی و اقتصادی – شماره ۴۸ و ۴۹ – دی و بهمن ماه ۱۳۹۸

ماهنامه اجتماعی و اقتصادی – شماره ۴۸ و ۴۹ – دی و بهمن ماه ۱۳۹۸

ته مقاله

خدمت خوانندگان محترم و سروران -مشترک و غیر مشترک که به نوعی پولی یا مجانی هر ماه یک نسخه جریده ما را دریافت می کنند ، عارضم که این قضیه بر قاریین معظم پوشیده و مخفی نیست که در این دوران وانفاسی گرانی کاغذ وسرانه مطالعه یک صدم ثانیه در روز هموطنان فرهیخته جیگر شیر و سرر پر سودا می خواهد که جریده داری کنی. اوضاع ما به مثل مستاجری می ماند که هر ماه رویش را برنگردانده آخر ماه می شود و خستگی کار از یک طرف و چمچاره پرداخت هزینه های اصلی و فرعی و بلاخص چک چایخانه از طرف دیگر روزها و ماهها و سلهای آینده را چون زهر بر ما کوفت و خواب به چشممانمان حرام می کند.منظور این است که با تمام این وزاریات سعی کردیم از قلم نویسندگان زبردست آب زیرکاه و طنزیم کنندگان نامی دیروز و امروز که کم هم الک نیستند مستفیضان کنیم. نتیجه اینکه جریده ای که به طبع و نظراتان می رسد یکی از هزاران نبوغ نهانی ماست که بعضی ها می دانند و به روی میازکشان نمی آورند آن هم به دلایلی که ما می دانیم و شما نمی دانید و بهتر است خودتان را درگیر مشکلات ما نکنید. به قول قضیه تق ریز نومچه هدایت خان عزیز که اگر می دانست هواخواه پر و پا قرصی چون ما دارد هر گز از افسردگی در عنفوان جوانی در غربت خودکشی نمی کرد ،خوشبختانه بر عکس خیلی از سایر همکاران یک کلمه از جاهای دیگر بدون ذکر منبع دزدی نکرده ایم و اصلن احتیاج به چنین عملی نداشتیم . و اما قضیه رنگ عاوزه کردنمان را به پای قضیه ماجراهای آقای ملون نگذارید . بلکه بدلیل بی اثری منظور بعضی مشکلات فنی در چاپ هیئت تحریره تصمیم به دورنگی گرفتند، سو تفاهم نباشد، منظور همان چاپ دو رنگ بود که ملاحظه می فرمائید. وایضا بقول قضیه وای بحال نومچه صادق خان ، چونم واسه شما بگه آقام که شما باشید :

وای بحال آن کسسی که از سبک و سیاق تک و آس ما کبی برابر اصل کند و ما خبردار شویم که وا مصیبتا به حالش ، آن سررش ناپیدا که اگر کسی پا روی کشش ما بگذارد.

وای بحال آن کسسی که اقدام به انتشار مطالب ما بدون ذکر منبع کند.

وای بحالش اگر از ما و نویسندگان ما بد بگوید ، انتقاد کند ، نطق و مسخره کند که رسواش می کنم من .

و ایضا بقول قضیه جایزه نومچه دوست بزرگوارمان ، در پیشگاه ادبا و فضلالی جلیل القدر و ارباب علم و دانش پوشیده و مخفی نماناد که اینجانبان تصمیم قطعی گرفتیم که هرکس کمر همت بر میان بندد و بسه ما آگهی دهد و مشترک شود، ما را در امر خیر ی که گفتیم یاری نماید علاوه بر سهیم شدن در ثواب آن به عنوان اسپانسرینگ و حامی در تمام صفحات با درج لوگو تجلیل و قدردانی می گردد .باشد که اشخاص دیگر تشویق شوند و عبرت سایرین گردد . البته نه اینکه کار و بار زندگی خودشان را ول کنند و فقط سنگن ما را به سینه بزنند . در پایان به قول تقدیم نومچه هدایت : ای خوانندگان معظم و گرامی ! ما این جریده را با کمال احترام ، دو دستی تقدیم می کنیم به شما .خداوند حامیان و تعریف کنندگان ما را توفیق و پول عنایت فرمایاد!

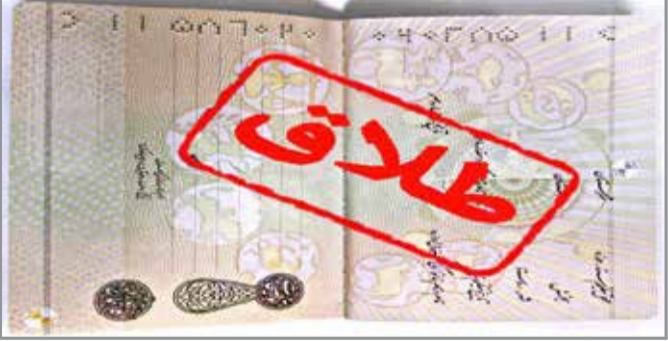
رتبه اول در همسر آزاری و کودک آزاری

معاون امور اجتماعی مرکز امور اجتماعی و فرهنگی وزیر کشور در اصفهان در صدا و سیمای این استان اظهار کرد:استان اصفهان در موضوع خشونت خانگی رتبه اول کشور را دارد. این آسیب اجتماعی شامل دو موضوع همسرآزاری و کودک آزاری است.رتبه استان در شاخص سرمایه اجتماعی از جایگاه ۳۱ در سال ۱۳۹۳ به ۲۱ در کشور رسیده است.

یک سوم وزیران دولت آینده لبنان زن هستند

به نقل از روزنامه «الجمهوریه» چاپ بیروت : بیش از نصف اعضای هیات دولت ۱۸ نفره لبنان به ریاست «حتان دیاب» مشخص شده و وی اصرار دارد که یک سوم آنان (۶ وزیر) باید زن باشند.

راهکار عملی رفع اختلاف مهریه «عندالمطالبه یا عندالاستطاعه»



چند راهکار عملی برای حل اختلاف «عندالمطالبه یا عندالاستطاعه» بودن مهریه«مهریه را کی داده و کی گرفته» و «عروس یا لباس سفید می‌آید و با کفن می‌رود» مثل هایی هستند که شاید در جامعه فعلی ایرانی چندان به کار نیایند و شاهد این مدعا هم برونده های و دعاوی مختلفی است که در محاکم خانواده تشکیل شده است. در کنار محاکم خانواده اگر سسری بهزندان ها هم زده شود مشاهده می شود که بسیاری از محکومان مالی به دلیل عدم توان در پرداخت مهریه مشغول گذراندن ایام در زندان ها هستند.درباره همین موضوع تاکنون بسیار گفته شده و مسئولان امر و فعالان اجتماعی هم راهکارهای مختلفی ارائه کرده اند اما آنچه که پابرجاست همان رویه و همان گلابه هاست.

مهریه، دینی است که با توجه به عقد نکاح و انعقاد نکاح گاهی اوقات بر ذمه مرد ثابت می‌شود. به این خاطر می‌گوییم گاهی اوقات، چون ذکر مهر در نکاح دائم واجب نیست بلکه مستحب است لذا ما می‌توانیم نکاحی را متصور باشیم که آن نکاح بدون ذکر مهر شکل گیرد و منعقد شود، اما همانطور که عرض شد این برای نکاح دائم است نه نکاح منقطع، چون در این نوع نکاح باید حکم ذکر شود.«لذا نکته مهم این است که بدانیم این دین با سایر دیون کاملا متفاوت است، چون دیگر دیون ممکن است، بر گرفته از مناشی متفاوت و مختلفی باشند؛ مثل اینکه شخصی معامله تجاری می‌کند و بر اثر آن اقدام دینی بر ذمه او می‌آید یا شخصی چکی صادر می‌کند و دینی بر ذمه او قرار می‌گیرد یا شخصی ضامن فرد دیگری شده و دینی بر او ثابت می‌شود و یا حالات دیگر لیکن در نکاح به این صورت نیست.»

عقد نکاح و آثار آن از جمله مباحثی است که فقها و حقوقدانان بسیاری به آن پرداخته اند. برخی از مباحث مرتبط با نکاح از جمله مهریه به دلیل حساسیت آن و اثرگذاری های گسترده آن، همیشه مورد توجه قانونگذار بوده، به گونه ای که همیشه سعی داشته تا با اصلاح قانون و بروزرسانی آن، پاسخگوی نیازهای عظیم جامعه باشد؛ اما در شرایط فعلی به خاطر تغییر پارامترهای اقتصادی و تاثیر مستقیم و غیر مستقیم آن بر بحث مهریه به نظر می‌رسد قانونگذار باید با نگاه جامع تری به موضوع مهریه توجه نماید.یکی از راهکارهای پیشنهاد شده درباره این موضوع بحث قدرت در پرداخت مهریه است که باید مورد توجه قرار گیرد یعنی اینکه اگر قدرت پرداخت مهریه پوشیده نشود این موضوع مانع از دادن وعده های واهی درمورد مهریه خواهد شد.همچنین تهیه قانون دیگری درباره نحوه

توفیق

اقتصادی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: حورا خاکدامن

سردبیر: امیر اسماعیل کاظمی

چاپ: کارگر

آدرس: خیابان سپیه، بین شهید فزنی

و نجات الاهی، شماره ۲۳۱، واحد ۸

تلفن: ۸۸۸۵۳۳۷۱ فکس: ۸۸۸۵۳۳۷۵

تاب‌آوری زنان در مقابل خشونت

در سال‌های اخیر مسأله خشونت علیه زنان به موضوع محوری گفت‌مان جنسیتی تبدیل شده است. تقلیل گفتمان خشونت علیه زنان به موضوعاتی نظیر خشونت جنسی و تعرض جنسی به زنان در محیط‌های عمومی و محیط‌های کاری از یکسو و نادیده‌گرفتن ضرورت مداخله دادن مردان و کم‌توجهی به ضرورت اثرگذاری بر مردان، برای کاهش خشونت علیه زنان در محیط‌های کاری، از جمله مسائلی است که گفتمان مقابله با خشونت علیه زنان را به سطح عملکردی نکشانده و در مواردی و با وجود توسعه و گسترش گفتمان ضد خشونت، به کاهش معنی‌دار خشونت در محیط‌های کاری منجر نشده است.

علاوه بسر آگاه کردن جامعه در خصوص وجود مصادیق متعدد خشونت جنسی در محیط کاری، زنان باید با راهکارهای مقابله با خشونت جنسی در محیط‌های کاری آشنا شوند و مردان باید از کنش‌های افزایشنده خشونت جنسی علیه زنان در محیط‌های کاری دوری کنند تا خشونت جنسی در محیط کاری از سطح گفتمانی به سطح عملکردی ارتقا یابد و با کاهش معنی‌دار خشونت جنسی در محیط کار که به کنش فعال مردان و زنان بستگی دارد، بینجامد. سال‌هاست متخصصان و فعالان جامعه مدنی بر ضرورت مقابله با خشونت علیه زنان تأکید می‌کنند و ارتقای آگاهی زنان نسبت به وجود خشونت را به‌عنوان مهم‌ترین استراتژی اجتماعی خود در مقابله با خشونت به کار می‌بندند، اما راهکارها و راهبردهای عملی و عملیاتی در مقابله با خشونت و ارائه دستورالعمل‌های دقیق و کاربردی

افزایش تاب‌آوری زنان در مقابل خشونت جنسیتی، بر خلاف آنچه که به غلط بیان می‌شود، افزایش تحمل زنان در مقابل خشونت نیست. ارتقای تاب‌آوری عبارت از تمامی راهبردهایی است که شرایط را برای زنان

زنان در حاشیه نیستند!

جامعه، بویژه زنان و دختران فراهم کرد. البته این امر منوط به شناسایی درست وضعیت، مسائل و مطالبات و همچنین بررسی دقیق عملکرد دولت‌های گذشته بود. پس از بررسی‌های اولیه و آسیب شناسی لازم دولت به این نتیجه رسید که با جاری‌سازی رویکرد عدالت جنسیتی در ششمین برنامه توسعه‌ای کشور که هدف آن تحقق تعادل و اعتدال در بسیاری از حوزه‌ها، از جمله نقش‌های خانوادگی و اجتماعی زنان و مردان پس کار و زندگی، بازارکار و سیاست... است به دور از کلی‌گویی و آرمان‌گرایی رایج، ناگزیر از اولویت‌بندی مسائل بوده تا با شاخص‌سازی و تعیین اهداف کمی در پایان برنامه محاسبه و اندازه‌گیری و سنجش میزان پیشرفت وضعیت مقدور شود و البته تصویب و ابلاغ آن شاخص‌ها در زمان دولت دوازدهم صورت گرفت. به موازات آن ، راهبرد جریان‌سازی و حساسیت آفرینی نسبت به مسائل زنان و دختران جهت جلب توجه و مشارکت حداکثری و بهره‌مندی از تمامی ظرفیت‌های

«کوشش در ترقی نسوآن و طرفداری از حقوق تسویت ،مجاهدت در تأسیس قرائتخانه‌های مخصوص زنان و ایجاد مدارس ابتدایی مجانی و مدارس متوسطه و عالییه به خصوص طب و دایگی و پرستاری اطفال و مؤسسات صنعتی یدی و غیریدی مخصوص زنان و مؤسسات لازمهٔ دیگر از قبیل مریضخانه‌های مخصوص زنان و تبلیغ در تشکیل شرکت‌ها برای وارد نمودن کارخانجات لازم.» مانند سایر تشکل‌های زنان، این برنامه‌نامه نیز ناسیونالیستی بود، گواه آن بند هفتم بود که گفته بود: «تبلیغ به پوشیدن نسوجات و امتعهٔ کالاهای وطنی و ترک استعجاب امتعهٔ خارجی به خصوص زینت‌ها و تجملات غیرضروری...» در بند هشت خواسته شده بود زنان اجازه داشته باشند در نمایش‌ها و تفریحات عمومی شرکت کنند (چیزی معادل ورزشگاه رفتن امروز). مبارزه با خرافات، تقبیح شرب مسکرات و مصرف دخانیات، تلاش برای بهداشت بانوان، ترغیب زنان به ورزش، جلوگیری از فحشا، ترغیب جوانان به ازدواج، جلوگیری از ازدواج در سن نامناسب از دیگر مضمون‌های آن بود. همهٔ این‌ها گواهی‌است بر اینکه زنددخت منادی واقعیتی بود که در این بیت بیان کرده است: «در آن ملت ترقی هست و استقلال و آزادی / که زن چون مرد آزاد و کسی او را نیازارد.» همان زمان که جمعیت انقلاب نسوآن تشکیل شده بود نمایشی در شیراز برگزار می‌شد و جمعیت نسوآن با اصرار توانست این اجازه را فراهم کند که زنان نیز برای نخستین بار به تماشای نمایش بیایند. البته باز هم قرار شد یک شب برای مردان باشد و یک شب برای زنان. زنددخت شنی که زنان به تماشای نمایش آمده بودند سخنرانی کرد. پس از تأکید بر اهمیت یادگیری معارف (علوم) به نمایش پرداخت و گفت: «همنشین بودن هر مرد با فامیل زن خود به او این اجازه را نمی‌دهد که نسبت به زنددخت افراط و تفریط در تجدد را نادرست می‌دانست. می‌گفت: «ما

دربارهٔ زنده‌خت

حق با زانی بود که زمانی غریب بودند. زانی که صد سال پیش از حقوق زنان دم می‌زند تصویری از زن ترسیم می‌کردند که در مخیلهٔ جامعهٔ اوایل قرن چهاردهم (حوالی ۱۳۰۰) نمی‌گنجید، اما امروز هر چه آن‌ها ادعا می‌کردند تحقق یافته است. گاهی برای این‌که معلوم شود آیا حق با کسی هست یا نه باید ده‌ها – چه‌بسا صد(ها) – سال منتظر ماند.

امروز برای ما هیچ عجیب نیست که معلمان و استادان، فروشندگان و تولیدکنندگان، کارمندان بخش خصوصی و دولتی، پزشکی که با چراغ قوه ته گلوبان را می‌بینند و جراحان می‌کند یسا هر کس در هر کسوت دیگری «زن» باشد. اما صد سال پیش، زنددخت شیرازی، یکی از پیشگامان جنبش زنان چنین شعری سرود:

کار تجارت از چه معنی کار زن نیست؟/کار صاعط با چه منطق کار من نیست؟/کشف زنان را از چه روزن خود ندوزد؟/زن از چه جراح و طبیب جان و تن نیست؟/پس خواهرانم تا به کی بیکاره هستید؟/تنها برای تخم‌گیری خلق گشتید؟/تنها برای عشق مردان چیره دستید؟ زنددخت اهل شیراز بود، متولد ۱۲۸۸. در تهران تا مقطع متوسطه تحصیل کرد و در ابتدای جوانی که با نخستین سال‌های سلطنت رضاشاه بود «جمعیت انقلاب نسوآن» را تأسیس کرد، اما به زودی تعبیر «انقلاب» برایش دردسرساز شد و نام آن را به «نهضت نسوآن» تغییر داد. وقتی «مرامنامهٔ جمعیت انقلاب نسوآن» را که بیش از نود سال پیش نوشته شده است می‌خوانیم از روشن‌بینی این زن و هم‌اندیشان او به شگفت می‌آیم! این مرامنامه پر از توصیه‌های اخلاقی و آموزشی است، اما در عین حال مطالبات روشنی هم دارد. در بند چهارم آن آمده است:

اجرای محکومیت های مالی ناشی از مهریه هم اقدامی است که می تواند کارساز باشد.

در نکاح دین حاصل شده که عنوان مهر را می‌گیرد، متعاقب معاملات تجاری یا اسناد تجاری نیست بلکه متعاقب یک عقد متفاوتی است به نام نکاح. چار می‌گوییم نکاح با سایر عقود متفاوت است؟ به این دلیل که نکاح محشش با سایر عقود تفاوت است فقها مثل شهید ثانی در شرح لمعه به ظرافت این نکته را بیان می‌فرمایند که نکاح ماهیت معاوضی صرف ندارد، بلکه ماهیت شبهه معاوضی دارد لذا وقتی ثابت کنیم که نکاح ماهیت شبهه معاوضی دارد، لذا جنس آن دینی است که متعاقب او و برای او حاصل می‌شود، باید با سایر دیون متفاوت باشد و احکامی هم که مرتب بر آن دین می‌شود، با سایر دیون متفاوت است؛ لذا اگر دین را که حاصل از عقد بیع است و قواعدی را بر فرد مدیون متب می‌دارد و طبق قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی در ماده ۳ محکوم به زندان می‌آید در مهریه باید اتفاق دیگری رخ دهد.

در متون دینی و روایات، واژه مهر کمتر دیده می‌شود یا در قرآن کریم که اصلا از این لفظ استفاده نشده بلکه از لفظ نخله و از واژه صدق در قرآن کریم استفاده شده است. صدق از صداقت می‌آید و نخله از محبت می‌آید. این دین در اصل ثابت کننده صداقت و محبت آن مرد به آن زن است و مرد برای اظهار محبت و صداقت خود این صدق و نخله را برای همسرش تعیین می‌کند، وگرنه معامله‌ای که صورت نگرفته و چیزی که معامله نشده، لذا باید در نظر بگیریم قرآن کریم و متون دینی زیاد از واژه مهر استفاده نکرده و این خودش نکته مهمی است.

وقتی اصل دین به وجود می‌آید، باید عندالمطالبه باشد؛ یعنی هر موقع زن درخواست کرد و چون ماهیتش این است که در ضمن عقد نکاح ذکر شده و قرار داده شده، به محض اینکه علقه زوجیت برقرار شد این مهر بر ذمه مرد مستقر می‌شود و زن هم حق مطالبه آن را دارد و البته این حق به طور متنازل برقرار می‌شود؛ یعنی زن زمانی می‌تواند مطالبه کند که تمکین کند که آن احکام و مسائلی دارد؛ لذا عندالمطالبه یعنی اینکه هر زمانی که رزقه مهرش را خواست، مرد موظف است که پرداخت کند و واژه عندالاستطاعه هم یعنی اینکه هر زمانی که مرد با زوج استطاعت مالی داشت، آن مهر بر ذمه مرد مستقر می‌شود.

از لحاظ فقهی و حقوقی در اینکه مهریه، عندالاستطاعه قرار بگیرد اشکالاتی وجود دارد. بنده اخیرا در مقاله‌ای با نام «تفاوت مهر با سایر دیون در پرتو اشتراط قدرت پرداخت زوج» ميسووط بحث کرده‌ام. این عندالاستطاعه یعنی زمانی که زوج

مطالبه این است که پرداخت را مشروط به شرطی کرده آید که معلق است و زمان پرداخت معلوم نیست؛ لذا حقوقدانان به تبع فقها به درستی گفته باشند که آن عقد باطل است؛ لذا اینجا عندالاستطاعه بودن کمی محل بحث است.

باید بدانیم که موضوع مهر، پیامدی اجتماعی و قضایی با هم است و نباید بگوییم یک موضوع صرفا حقوقی و قضایی است. باید این موضوع را در زمینه اجتماعی هم کنگاش کنیم و نیاز به مطالعه میان رشته‌ای دارد. به صورت اجمالی و فهرست وار



جهت دریافت و مشاهده PDF ماهنامه به توفیق آنلاین(www.Tofighonline.ir)

مراجعه فرمایید.



امن می‌سازد و زنان را برای مقابله با خشونت آماده می‌کند و مردان را برای دوری از رفتارهای خشونت‌زا آموزش می‌دهد و با آموزش و ارتقای توانمندی در مقابله با خشونت، به زنان کمک می‌کند تا در مقابل خشونت از خود محافظت کنند، نه اینکه آن را تحمل کنند.

از برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای هردو جنس زن و مرد گرفته تا انتشار بروشورها و دستورالعمل‌هایی که به‌طور مستقیم به زنان آموزش می‌دهد که در صورت مواجهه با انواع خشونت، چه واکنش‌هایی داشته باشند تا بتوانند از خود در مقابل انواع خشونت در محیط کار محافظت کنند و همچنین دستورالعمل‌هایی که به مردان آموزش می‌دهد تا برای دوری از اعمال خشونت علیه زنان، از چه رفتار و گفتارهایی اجتناب کنند، از جمله راهبردهای ارتقای تاب‌آوری زنان در مقابل خشونت جنسیتی در محیط‌های کاری است. این مطلب را گیتی خزایی پژوهشگر اجتماعی نوشت.

آسیب دیده و نمونه‌هایی از این دست از قلم افتاده بودند. در عین حال به اهمیت و تأثیر توجه به مسائل و وضعیت آن دو گروه واقف بودیم و بهای لازم را به آن می‌دادیم.

از نسوی دیگر در بحث آسیب‌های اجتماعی که حوزه زنان و خانواده از آن متأثر است، تمام تلاش لازم به کار بسته شد تا با تحلیلی واقع بینانه سیاست انکار و سرپوش گذاشتن را کنار گذاشته و به مدیریت ظرفیت‌ها مبادرت شود.

در نهایت با ریل گذاری‌های انجام شده در موارد پیش گفته و نیز توسعه کمی و کیفی فعالیت‌های انجمنی زنان و موفقیتی که در خصوص تغییر ادبیات حاکم بر این حوزه به وجود آمد، به پایان دولت یازدهم رسیده و خوشبختانه بسیاری از برنامه‌ها در دولت دوازدهم هم ادامه پیدا کرد. ضمن آنکه این حق را هم باید داد که در بازه‌های زمانی مختلف در برنامه‌ها تغییراتی ایجاد شود و سیاست‌ها و راهبردها به‌روزرسانی شوند.

نسوآن ایران میان دو فرقهٔ مترجع و متجدد واقع شده‌ایم، مرتجعین و کهنه‌پرستان آنهاپی‌اند که از فسط جهالت از روح تجدد منزجر و در حالی که با ماشین مسافرت می‌کنند هنوز در قید همان عادات پوسیدهٔ خرافی ننگین هستند. متجددین افراطی کسانی‌اند که کورکورانه افعال ناپسند فرنگی‌ها را اقتباس نموده و با اعمال نکوهیدهٔ خود نژاد آینده را به پرنگاهی عمیق سوق می‌دهند. اگر ما پیروی از هر کدام از این‌ دو طایفه را بنماییم تیشه به ریشهٔ قومیت و ملیت خود زده‌ایم و باید یک خط‌مشی صحیح اتحاد نماییم که از این دو فرقه در امان بود و ترقی خود و ایناء خود را تأمین نماییم.»

شگفت اینکه زنددخت هنگام این سخنرانی زیر بیست سال سن داشت و چنین پخته بود. او نشریه‌ای نیز با عنوان «دختران ایران» در ۱۳۱۰ تأسیس کرد که پس از هفت ماه توقیف شد. هم مقاله می‌نوشت و هم نظراتش را با شعر بیان می‌کرد. این زنان — مانند همتایان مردشان — دهه‌ها از جامعه‌شان پیش بودند، سالی‌ها طول کشید تا جامعهٔ ایران به جای رسید که برای زنان غریب و تنها ایستاده بودند. زنددخت که زنی بسیار سادورست بود عمر کوتاهی داشت و در ۱۳۳۱ درگذشت.این مطلب را مهدی تدینی برگرفته از کتاب تاریخ‌اندیشی نوشت.

باید بگوییم، این جامعه‌ماست که رفته رفته به سمتی می‌رود که دختران مهرهای بالا بخواهند و توقع دخترا و پسرها بالا رود تا در اثر آن هم سن ازدواج بالا رود و نزاع‌ها و دشمنی‌های بوجود بیاد تا مهره‌های بالا منقدد شود. بدهکار بودن مرد به زن ایجاد پرونده بشمار قضایی، همه و همه از پیامدهای منفی مهرهای سنگین است. قانونگذار در ماده ۲۲ قانون حمایت از خانواده مصوب ۹۱ یک حرکت بسیار مثبتی که کرد این بود که ضمانت اجرای مهر را تا ۱۱۰ عدد سکه بهار آزادی قرار داد و آن را مشمول ماده ۳ قانون اجرای محکومیت مالی کرد؛ بنابراین، جاد ما این را تکمیل کنیم و بگوییم که اولاً زمانی مهر مستقر بشود که عندالاستطاعه باشد و نه زمان مطالبه زوه. نکته دیگر اینکه ما شرطیت قدرت پرداخت در مهر را مدنظر قرار بدهیم.

بدین صورت که عقلا در معاملاتشان اگر چنانچه شخصی قدرت در پرداخت مورد معامله را نداشته باشند، آن معامله را باطل می‌دانند و این دین را از او نمی‌پذیرند مثل مرادبات بانکی. وقتی شما می‌خواهی وام زیادی بگیری، آن بانک باید بررسی کند که قدرت پرداخت دارید یا خیر. در مورد مهریه هم باید چنین سازوکاری تعریف شود. در واقع اگر قدرت پرداخت نیست اصلا آن دین باطل است و تبدیل به مهرالمثل و یا مهرالمته می‌شود.مهرالمثل یعنی به مانند آن دختر چقدر برایش مهریه تعلق می‌گیرد و مهرالمته یعنی مقدار توان زوج چیست که به نظر ما مهرالمته بر عهده زوج تعلق می‌گیرد.

نکته در اینجاست که همه کاستی‌های قانون به آنچه برمی‌گردد که اول عرض کردم، باید جنس دین مهر با سایر دیون متفاوت دیده شود. وقتی جنسش متفاوت باشد، نحوه اجرای محکومیت مالی آن هم باید متفاوت باشد. چطور ما می‌گوییم برای نکاح و خانواده قانون مجزا نوشته شده، پس برای آن دین هم باید و نحوه مطالبه آن هم قانون مجزا نوشته شود. قطعاً جامعه ما به رویکرد جدیدی به قوانین خانواده نیاز دارد. درست است که قانونگذار به درستی اصلاحات بسیار مثبتی انجام داده و هرچند برخی مواد آن خالی از مناقشه نیست. باز هم نیاز به اصلاح دارد و از طرفی این نباشد که حقوق زن پایمال شود. تبعات این مهرهای سنگین باید از دید زنان و مردان تعدیل شود و مهر به عنوان یک مستمسک برای طلاق دیده نشود. همانطور که گفته شد، به عنوان یک علقه و عشق و محبت دیده شود و از طرفی متعاقبا حق و حقوق زن حفظ شود. باید یک نگاه جامع و کامل به نظریه حقوقی اسلام در باب خانواده داشته باشیم و این نباشد که به قول قرآن کریم «ثمن بیعنی و نکفر بیعنی» باشیم. نگاه ما باید با دید جامع نگر باشد و نظام وار خانواده در حقوق اسلام به صورت دقیق باشد. نکته اساسی در ساختار آموزش و پرورش استکه باید به این موضوع توجه داشته باشد و طوری به فرزندان آموزش دهند که مهریه سنگین ارزش نباشد. نکته بعد ایجاد امنیت اقتصادی برای زنان خانه دار مطلقه است که اصلا نیازی به مهر نداشته باشند.

دکتر محمدعلی معبر محمدی پژوهشگر فقه و حقوق خانواده